

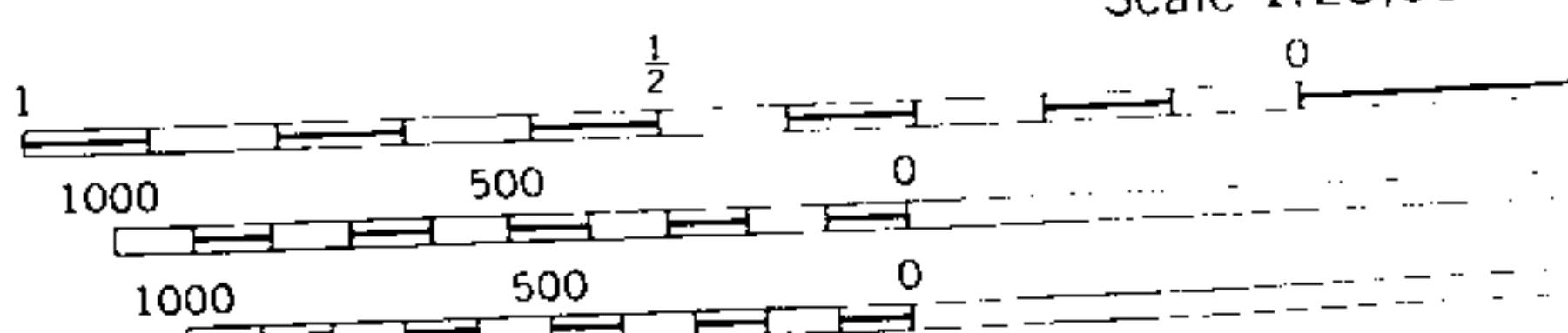


429

430

431

Scale 1:25,000



HEIGHTS IN METRES
TRANSVERSE MERCATOR I

USERS NOTING ERRORS OR OMISSIONS ON THIS MAP ARE URGED TO MARK HI
OFFICER, ARMY MAP SERVICE, WASHINGTON D. C. MAPS SO FORWARDED

GRID ZONE DESIGNATION
32T

TO GIVE A STANDARD REFERENCE ON
THIS SHEET TO NEAREST 100 METERS

DESIGNAZIONE

ت م ک ۶۶

تذکرہ

(740)

زبده اخ و لیاء

شیرربانی حضرت میان شیر محمد شرقپوری
نقشبندی مجددی قدس سرہ العزیز

تألیف

محمد نذیر رانجھا

از انتشارات

شعبہ نشر و اشاعت بار المبلغین حضرت میان صاحب
شرقپور شریف ضلع شیخوپورہ (پاکستان)

۵۳۶۷۴

حق چاپ و عکس برداری ازین نسخه محفوظ است

نام کتاب: - تذکرہ زبدۃ الاولیاء قدس سرہ العزیز

تالیف: - محمد نذیر رانجھا

طبع اول: - 1995ء

تعداد: - 1100 نسخہ

چاپ کنندہ: - آر - زید - پیک گز - لاہور

- 1 - مکتبہ نور اسلام شرقپور شریف ضلع شیخوپورہ (پاکستان)

- 2 - جامع مسجد شیربانی - اکبر روڈ مدینہ چوک

وسن پورہ لاہور

- 3 - دفتر مہنامہ نور اسلام جامع مسجد قادریہ

شیربانی 21 - ایکٹر سکیم سمن آباد لاہور

فهرست

صفحه

پیش‌گفتار از صاحب زانه میان جمیل احمد شرقپوری ۵

این ساعت بزرگ بازونیست از محمد ننیر رانجها ۹

باب اول

براحوال خانوادگی حضرت میان صاحب

احوال حضرت صالح محمد صاحب

احوال حافظ محمد عمر صاحب

احوال مولوی غلام رسول صاحب

احوال میان محمد حسین صاحب

احوال میان عزیز الدین صاحب

باب بوم

در ولادت با ساعت حضرت میان صاحب فصل اول

در کوکی حضرت میان شیر ربانی قدس سرہ فصل دوم

در آموزش و پرورش حضرت میان صاحب فصل سوم

در عالم شباب حضرت میان صاحب فصل چهارم

در بیعت مرشد تاعطائی خلافت فصل پنجم

در مسافرت ہائی روحانی فصل ششم

باب سوم

در اتباع سنت فصل اول

در ارشاد و تبلیغ دین فصل دوم

باب چهارم

کشف و کرامات

45

باب پنجم

سفر ناربقا و جانشین

49

باب ششم

51

در تعمیر مساجد

فصل اول

در نشر و اشاعت دین و

فصل دوم

56

معارف اسلام بصورت کتب

باب هفتم

ایيات لیگنائز که حضرت شیر ربانی

63

قدس سرہ من خواند

باب هشتم

ملفوظات گرامی

۶۷

باب نهم

واردات قلبی

باب بیم

خلفائی عظام

ماخذ

بسم اللہ الرحمن الرحیم ○

پیش گفتار

وقتیکه خداوند سبعانه و تعالی ادم را از جنت بیرون کرد و درین
عالی فرستاد او از روی فضل عظیم خود یک ضابطه حیات پم ادم را اعطا
فرمود تا زندگانی خود را تامین کند و یک قرینه برای زیست خود را دار
سازد که براین کامرانی و کاریابی زیستش ضامن باشد چنانکه ارشاد باری

یست

قلنا ا مبطوا منها جميعا ف ما يا تينكم مني هدي فمن تبع هد
اي فلا خوف عليهم ولا هم يعزون

بر طبق این ارشاد باری طائفه‌ی مقدس انبیاء علیهم الصلوٰۃ والسلام یکی
بعد دیگر معموث شدند تا بدایت ربیانی را به بندگان او رسانند این سلسه
انبیاء دراز کشید تا آنکه حبیب کبریا خاتم الانبیاء صلی اللہ علیہ وآلہ
وسلم تشریف آوردند آن والا جناب صلی اللہ علیہ وسلم نبی آخر الزمان
بستاند و دین اسلام را تکمیل دینه و خاتم ہستند لذا بعد آن والا جناب صلی
اللہ علیہ وآلہ وسلم فریضه دعوت و تبلیغ بعهده اولیائی کرام تفویض شد و
این نفوس پاک از فریضه این منصب را نیک برآ وردند برای این طائفه در
قرآن پاک ارشاد خداوند یست

اللان أولیاء الله لا خوف عليهم ولا هم يعزون

این جا این نکته مهم جالب توجه من باشد که اولیائی کرام را این
منظمت و مرتبت بچه وسیله وصول شد این نکته را قرآن حکیم واضح
فرموده است

قَلْ أَنْ كُنْتَ مُتَّبِعَنَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يَعْبُدُكُمُ اللَّهُ

مدد وح ما حضرت میان شیر محمد شرقپوری این نکته مهمی را نیک فهمید و اتباع سنت را پیکر بود او نه تنها خردش اتباع سنت مطهره را لازم گرفت دیگران را هم باین مراد تلقین فرمود این تلقین گاہی بطريق جلال بود و گاہی بطريق جمال. ولی تمنای داشت او بود که بهم مسلمانان به صمیم قلب پیروی سنت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را بعهده خود گیرند خد اوند متعال النبیاء را معجزات عطا فرمود که تقاضای عصر را بسته آمدند پیغمبنا اولیارا کرامات عطا فرمود که حسب تقاضای زمان این بزرگان عالی مقام بود حضرت مدد وح شیر ربانی دریک عصر فلسفیانه ویں مذہب و عقل پرست بد نیا آمد این را یک ولی کامل لازم بود که زنجیر فلسفه واستدلال بشکند و این جهان را بچشم سرخود شان جهانی تماشا نماید که ورای منطق و استدلال باشد بعد نظاره این جهان بیچ ترد د در بیچ قلب نماند در پستی باری تعالی و مرتبه والا صاحب لولاک و واقعات روحانی مثل معراج و غیر آن.

خد اوند متعال بفضل خاص خود حضرت مدد وح شیر ربانی میان شیر محمد شرقپوری را برای مرتبه والا گزید که جان ولایت باشد اوصاف یگانه اخلاق کریمانه کمالات واہبانه بهم یکجا شده بودند کشف و کرامت و تصرف و القاباین مرتبه بود که بیننده را باز بماند و مردمان ارادت را باز درجه ایمان من رساند که قرما این را والا بودند عصر جدید که عصر فلسفه و تکنولوژی پست و پرکس که از روشنی جدید گور شده پیش آن مدد وح آمد دریک لحظه بهم حجابت از پیش او گافور شدند و از بهم نمائم نفسانی پاک شده مشتاق گشت برای نور اسلام

درین عصر که عصر سائنس و تکنولوژی پست سوانح مبارک اولیای حق یک مناره ای نور میباشند این امر لازم را احسان کردند که نژاد نو را به زندگانی حضرت مدد وح معرفی شود تا اذیان منطقی

و فلسفی جدید که من اصلاح یا بند، از روح اسلام آشنا شوند و مقام و مرتبه‌ی
شارع اسلام صلی اللہ علیه وآلہ وسلم را بشنا سند و دین مستقیم اسلام را رپبر
و رینمای خود ساخته در دین و دنیا کامرانی می‌جویند. برای این مقصود
مجلدات متعددی بزبان اردو و پنجابی نوشته شده‌اند و انتشار یافتند مثل خزینه
معرفت انقلاب الحقيقة تذکره اولیای نقشبند المعرف شیر ربانی آفتاب
ولايت فکر معجوب خطبات شیر ربانی و منبع انوار و غير آن.

بنده را یک آرزوئی دیرینه بود که بزبان انگلیسی، فارسی و عربی بهم
چند کتب طبع شوند که فیوض و برکات این ولی کامل، جامع صفات
قطب الاقطاب و درویش عصر را بخواهند. گان این زبانهائی خارجی معرفی شود
و آنان بهم از فیوض و برکات حضرت مستفیض شوند. لله الحمد که آقای
محمد نذیر رانجها این کتاب را بزبان فارسی نوشته تمنای مرا عملی ساخته
بد رگاه کار ساز دعا گوییم که از فضل عظیم خود مصطف را به نعمت پائی
دنیا و آخرت و قلم اورا سعادت پائی فراوان بخشد که برای اولیای دیگر بهم
چنین خدمت انجام دهد. آمين بجهه سید المرسلین.

صاحبزاده میاں جمیل احمد شرقپوری

این سعادت بزور باز و نیست

نخستین کار علمی که در دست این فقیر آمد تصحیح "رساله ابدالیه" تصنیف لطیف سلطان المشائخ حضرت مولانا یعقوب چرخی قدس سرہ بود که از سوی مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد چاپ و نشر گردید. پس این بهانه ای بود برای مسافرت علمی و ادبی این ناچیز و فیض و برکت روحانی حضرت مولانا یعقوب چرخی که یکی از عارفان بزرگ و نامی سلسله عالیه نقشبندیه می باشند بعد ازین رحمت و فضل باری تعالیٰ بطوری یار و مددگار این ناچیز شد که ترجمه اردوی "رساله ابدالیه" و "رساله انسیه" (متن فارسی مع ترجمه اردو) و "رساله حورائیه" (متن فارسی مع ترجمه اردو) و "شرح اسماء الحسنی" (متن فارسی مع ترجمه اردو) هم از تصنیفات حضرت مولانا یعقوب چرخی را این فقیر چاپ و نشر کرد، سپس "نسمه گلشن" (فارسی) از شاه داعی الى الله شیرازی و تصحیح و تعلیق نمود و بعدها "کتاب "لمعات من نفعات القدس" (فارسی) از شیخ محمد عالم صدیقی علوی بکوشش و مقدمه این فقیر از جانب همون مرکز تحقیقات طبع گردید و "فهرست نسخه های خطی قرآن مجید در کتابخانه گنج بخش" مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان که حقیر تالیف نموده است در سال (۱۹۹۳م) از یموم مرکز تحقیقات چاپ شده است.

پرها این کارهای تحقیقی و علمی مقالات متعدد و گونا گون بزیان فارسی و اردو به مجله های مؤقر و معروف علمی و ادبی پاکستان و ایران نیز می نکاشته ام که مورد پسند اهل علم و دانش هردو گشور شده اند. علاوه ازین تالیف و ترجمه چند کتاب دیگر نیز گرده ام که از آنها: (۱) "جدید فارسی گرامر" (اردو) یعنی "دستور نوین زبان فارسی" و (۲) ترجمه اردوی کتاب: "بعرالحقیقه" از خواجه احمد غزالی قدس سرہ و ...

(۳) "کنزالعلم و العمل" (ترجمہ اردوی ۱۹۹۶ء - حدیث نبوی) کے ہر سہ از سوی عتیق پبلشنگ ہاؤس' لاہور جمع گردیدہ اند 〇 کتابی دیگر بنام: "قدیم عدالتی زبان اردو" (بزبان اردو) تالیف نمودہ ام کے مغربی پاکستان اردو اکادمی لاہور آنرا چاپ کرده است 〇

قریب بیست سال میشود کہ بنده از محبت و شفقت علمی و روحانی حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپوری صاحب مدظلہ العالی بھرہ مند من شوم واين سعادت ہرگز بزور بازو نصیب نکشته است بلکہ بخشش و عطا بیکران خداوند متعال من باشد۔ دو سال قبل حضرت صاحبزادہ صاحب مدظلہ العالی به این حقیر فرمان داد کہ تذکرہ شیر ربانی قدس سرہ بزبان فارسی مرتب سازد فرمان ایشان موجب صد افتخار و سعادت سرمدی گردید برای این ناجیز' لذا "تذکرہ احوال و مقامات زبدۃ الاولیاء شیر ربانی" حضرت میاں شیر محمد نقشبندی مجلدی شرقپوری قدس سرہ" تالیف نمودہ ام کے اکنون در خدمت اقدس آن محترم و بزرگوار و عالی مرتبہ مدظلہ العالی تقديم میشود بہ این التماں کے دعا فرمائید کہ این "تذکرہ" فریعہ سعادت دو جهان این حقیر گردد و خداوند بزرگ و برتر این گناہکار را بکرم عظیم خود بہ بخشد و در محشر زیریابی اولیاء عظام سلسہ عالیہ نقشبندیہ جا نصیب فرمائید۔

خاکپای اولیاء کرام

احقر محمد نذیر رانجھا غفر نتویہ و ستر عیوبہ

(۱) فی العجم (۱۴۰۲ھ) بمطابق (۱۹۸۲ م ۲۲)

مکان نمبر ۱۳۱۔ غازی آباد کمال آباد

راولپنڈی - صدر

دراحوال خانوادگی حضرت میان صاحب

حضرت نیک بی بی بصر میان شهاب الدین صاحب روایت من کند که از اجداد ماسه نفر از "دیپالپور" به "قصور" آمدند.^(۱) یکی از ایشان ازدواج نموده بودو دو تن هنوز ازدواج نکرده بودند در "قصور" بالای "قلعه نواح کوت" قیام نمودند. دانشمندان و عالمان بودند و خوشنویسی قرآن کریم من نمودند و شاید همین فریمۀ معاش داشتند از رسم و خانواده ایشان آشگاهی نبسته گویا بسبب قحط از "دیپال پور" مراجعت نموده اینجا (قصور) وارد شده بودند. صاحبی که از ایشان اهل دار بود پس به "دیپال پور" رفت و بقیه دونفر در "کوت پیران" "قصور" مقیم گشتند ازا این دونفر صاحبی که در "کوت پیران" اقامت گزین شد، نمی دانیم که از ایشان جانشینی باقی ماند یا نه؟ ولی صاحبی که در "کوت پکه قصور" مقیم شده بود بزرگی به اسم حضرت صالح محمد صاحب رحمته الله علیه شهرت یافته که درسه واسطه به شجره خانوادگی ایشان من رسید.

احوال حضرت صالح محمد صاحب

حضرت صالح محمد صاحب رحمته الله علیه خوشنویسی قرآن مجید من نمود. حضرت میان صاحب رحمته الله علیه من فرمود که اکثر کسی از اجداد ماسی پر سید که نام خانواده شما چیست؟ من فرمود: "ما خوشنویسیم!" میان نورالحسن صاحب قصوری من گوید که از پدر بزرگوار خودشنبه بودم و پدر بزرگوارم از جد امجد خود میان امام الدین صاحب روایت نموده که نوابی از آن روزگار کسی را پیش حضرت میان صالح محمد رحمته الله

علیه فرستاد که ما گاوی را پرورده ایم و او بعده ای زائیده است.

اکنون نمی گذارد که بعده اش شیر او بخورد و یا ما شیرش را بگیریم.

حضرت میان صالح محمد صاحب رحمته اللہ علیہ فرمود:

”گاو را بگوئید که شما اورا پرورده اید و خدمتی او نیز نموده اید،

لذا گذارد که شما شیرش بگیرید“ - چون گاو را این فرمان دادند، شیر

گرفتن گذاشت و مطیع گردید.

احوال حافظ محمد عمر صاحب

حضرت محمد عمر صاحب رحمته اللہ علیہ جد بزرگوار حضرت میان صاحب بود. علاوه از خوشنویسی در طب و پزشکی مهارت خاصه داشت. مردمی نهایت نیک بخت و صالح بود.

احوال مولوی غلام رسول صاحب

مولوی غلام رسول صاحب بزرگی عالی مرتبت در "قصور" می بود. خانه ایشان در "مکان گوٹ حاجی رانجهی خان" متصل "مسجد حاجی رانجهی خان صاحب" می بود. صاحب "خرزنه معرفت". صوفی محمد ابراهیم قصوری این خانه را زیارت کرده بود و می گوید که در این خانه، زیرخانه ای بود که در آن مولوی غلام رسول صاحب رحمته اللہ علیہ چله کش و مجاهده می فرمود. چون قحطی در قصور پدید آمد، به "حجره شاه مقیم" رفت و آنجا مقبولیت عامه نصیب ایشان گردید. چون "ویدیان" حمله بر "حجره شاه مقیم" نمودند و فتح یاب گردیدند، دو سیدزاده و مولوی غلام رسول صاحب

۱۲

رحمتہ اللہ علیہ را دستھیر کردند، هر سہ نفر را محکوم بے اعلام نمودند۔
سید زادگان گفتند: این نفر (مولوی غلام رسول) مولانا است و قصوری ندارد
چون "ویلیان" این حرفها شنیدند، مولوی غلام رسول صاحب را رهان نمودند۔
پس از این مولوی غلام رسول صاحب رحمتہ اللہ علیہ از "حجرہ شاه مقیم" به
"شرقپور" مراجعت نمود و اینجا نیز مقبولیت عامہ نصیب ایشان گردید۔

احوال میاں محمد حسین صاحب

جدیز رکوار حضرت میاں صاحب رحمتہ اللہ علیہ است و احوال ایشان
پیدا نیست.

احوال میاں عزیز الدین صاحب

پدر بزرگوار حضرت میاں صاحب عزیز الدین صاحب بود، درشکن
و صورت کاملاً مشابهت به حضرت میاں صاحب داشت. مردی نیک بخت
و پارسا و متشرع بود و در سلسلہ عالیہ قادریہ بیعت داشت و ذکر و شفای
در طریق قادریہ من نمود در رفتک (ہند) مستخدم بود و همین جا راهی
ملک عدم گشت.

فصل اول: در وحدت با سعادت

حضرت میان شیر ربانی قدس سرہ

خوشخبری: روایتی است که سده ای قبل بزرگی از کابن آمده جد بزرگوار حضرت میان شیر ربانی قدس سرہ العزیز را خوشخبری و مزده ولادت با سعادت و تولد حضرت ممدوح داده بود و اسم مبارک حضرت صاحب نیز تجویز فرموده بود، چون حضرت مولانا غلام رسول قصبه شرقپور رامسکن خود ساخت، مثل خواجه ابوالحسن خرقانی رحمته اللہ علیہ که قبل از تولد و ولادت سلطان العارفین خواجه بایزید بسطامی رحمته اللہ علیہ چون در خرقان تشریف می برد، دم های طولانی می کشید و می فرمود: "بوی آمد دوست من آید" همینطور حضرت بابا امیرالدین قبل از ولادت حضرت میان صاحب چون در شرقپور تشریف می آورد، می فرمود: "خداآند مارا باکشف گفت" است که درین بلاد پاک یک شیر خدا پیدا خواهد شد، چنانچه حضرت بابا امیرالدین رحمته اللہ علیہ در هر سال در شرقپور شریف تشریف می آورد و رونق دیار محبوب رامی افزود.

بشرات دیگر: می گویند مجنوی نیز سالهای قبل از ولادت حضرت میان شیر ربانی در اطراف واکناف شرقپور شریف طواف می کرد و چون مردم از او وجه و سبب این طواف می پرسیدند او می گفت: "در این کوچه مردی از مقبولان درگاه پروردگار اهلی پیدا خواهد شد، من از بوی مست کننده او روح را مسرور و دل و دماغم را معطر می سازم".

روایت دیگر: "میان عبدالرشید صاحب" مقیم "چونیان" روایت می کند که "میان غلام محمد" گفت که "حضرت خواجه امیرالدین رحمته

الله علیه" بنزیمه کشف آگاه شد و فرمود که در "شرقپور" شیر خدایی پیدا خواهد شد سپس از این کشف "حضرت خواجه صاحب موصوف" می فرمود که ما از بیست سال به "شرقپور" می رویم و در این جستجو من باشیم که آن طائز لاموتی را به دام خود بیاوریم و نسبت نقشبندیه باویرسانیم.

قد مکرر: "کرم شاه صاحب" مقیم "بهوین گلان" منطقه حافظ آباد به صوفی محمد ابراهیم صاحب نامه ای نوشت و دران گفت که هشت سال قبل ما در "شرقپور" رفتیم کسی سالخورده را بیرون شرقپور دیدیم از اوپر سیدیم که این احوال (مرتبت) حضرت میان صاحب از کی من باشد؟ در پاسخ گفت: قبل از ولادت ایشان! پرسیدیم چطور؟ گفت: درویش (عارفی) اینجا آمد و بود واکثر و بیشتر در کوچه پدر بزرگوار حضرت میان صاحب من گشت او دم طولانی من گشید، گویا که بوی خوش من شنید از اوپر سید ندکه چرا اینطور من گنید؟ گفت که در این کوچه روحی من آید که او بنده مقبول درگاه خداوند کریم من باشد، از این درویش پرسیدیم که در کلام خانه تولد خواهد شد، گفت در خانه میان عزیزالدین صاحب.

روزی حضرت میان شیر محمد صاحب المعروف شیر ربانی به مؤلف خزینه معرفت (صوفی محمد ابراهیم قصوی) فرمود که — "چون در ایام طفیلی بودم، جد بزرگوارم حضرت مولانا غلام رسول صاحب زبان خود را در دهانم داده بود" - بقول صوفی محمد ابراهیم قصوی، جد بزرگوار حضرت میان صاحب بزرگی بابرگت بود و همین طور حضرت شاه کمال گیته‌ی رحمته الله علیه زیان مبارک خود را در دهان حضرت مجلد الف ثانی قلم سره العزیز نهاده بود و ایشان آنرا مکینه بود و نسبت قادری به ایشان عطا فرموده بود.

صاحب خزینه معرفت من نگارد: — چون نخستین یا دومین بار به شرقپور رفته بودم، این خبری عام بود و بسیار کسان سالخورده من گفتند که

حضرت میان صاحب ولی مادرزاد است. از ایشان نام دو تن یادم هست، یکی: میان امام الدین مونچا، خدای تعالیٰ أمریش کند، و دومی: حکیم امام الدین صاحب، خدا رحمتش کنند. دیگر نیز از بزرگان بتواتر شنیدیم و این خبر مصلق من باشد که حضرت میان صاحب ولی مادرزاد بود.

بالآخر در سال ۱۳۸۲هـ آن گل نوشگفته ورشک بهاران و قرار مضطرب و شکسته دلان به حکم خداوند قدوس درخانه حضرت میان عزیز الدین پیدا شد. پدر بزرگوار حضرت میان صاحب مردم باصفا و نیک و پارسا بود و مردم این ناحیه به او خیلی احترام می‌گذاشتند.

چون تولد یافت حضرت مولانا غلام رسول که دران وقت زنده بود، حضرت میان صاحب را در آغوش گرفت و محبت کرد و زبان مبارک خود در دهان حضرت میان صاحب داد و حضرت میان صاحب آنرا مکید. حضرت مولانا غلام رسول حضرت میان صاحب را بسینه می‌گرفت و بار بار من بوسیله بفرمان بزرگان خانواده و مطابق بشارت قبلی اسم مبارک حضرت میان شیر ربانی را "شیر محمد" گذاشتند.

فصل دوم: در کودک

حضرت میان شیر ربانی قدس سرہ

حضرت میان شیر ربانی رحمتہ اللہ علیہ ولی مادرزاد بود و در کودکی از بازی کردن بیزار بود و خلوت را دوست می داشت و شینا و شیفتہ اسم گرامی "الله" بود و این اسم رب العالمین را از هر چیز جهان زیاد تر می پستنید و عزیز تر می داشت.

حرفهای عارفه در کودکی: روایتی است که در پنج شش سالگی در قبرستان می رفت. چون والدہ ماجده می پرسید که کجا رفته بودی؟ حضرت صاحب می فرمود که برای ملاقات و زیارت بزرگان رفته بودم! **حالت مستانه:** گاه بگاه در جوش عشق الہی اینطور دیوانه می شد که اندکا ره هارا در دهان خود می گذاشت و این هارا می خورد و گاه دیگرچه نه جوشیده را بادهان می گرفته و فرموده که این چیزها نیز خداوند هستند.

ذوق ذکر الہی: می گویند که چون در مسجد تشریف می برد در گوش نمود ای نشسته "الله" "الله" می گرد. چون در خطاطی معوم می گشت' اسم اعظم "الله" و اسم مبارک "محمد" را قلمبند می فرمود و با دوستان نشسته و یکزان شده در ذکر الہی مشغول می شد.

روش عارفانه در کودکی: بعثتہ صاحب خزینه معرفت: حال ایشان در طفلكی مثل حضرت جنید بغدادی قلعن سره بود که نه همراه طفلان بازی می نمود و نه همراه ایشان نشست و برخاست می داشت بلکه خلوت را می پستنید، چون در مکتب رفت، مزاج ایشان به کوکان مناسب نمی گرفت، درسه چهار سال قرآن مجید و دیگر کتب مروجہ مکتب را خواند و

در نگاشتن نیز مهارت حاصل نمود

قند مکرر: حکیم علی محمد صاحب مقیم "بلوکی" از پدر بزرگوار خود: حکیم پیر بخش روایت من کنند که:- جد بزرگوار حضرت میان صاحب رحمته اللہ علیہ' مولانا غلام رسول صاحب' هرجزوی که از قرآن مجید برای خواندن به حضرت میان صاحب' من داد' بکثرت اشک' ورق آن در چندروز پوسیده من گشت و چون جد بزرگوار ایشان راجع به این من پرسید' علاوه از سکوت و نگریه جوابی نمی داد

حیا: میان امام الدین صاحب زرگر مقیم "شرقپور" من گوید که "حضرت میان صاحب" در هنگام کودکی چون از کوچه من گذشت' روی سر و صورت خود نقاب من داشت و زن های کوچه من گفتند که: — "در کوچه ما دختری متولد شده که بر روی نقاب گرفته راه من رود".

و جد در ذکر الهی: روایتی است که در کود کی بعد از نماز عشاء حضرت میان شیرربانی قدس سره همراه محبان و دوستان بالای مسجد من رفت و باذوق و شوق تمام در ذکر الهی مشغول من گشتند و در حال ذکر در جنبه و جوش من آمد که وجود بر او طاری من شد و ناگاه از سقف مسجد بر زمین من افتاد ○

وارفتگی عجیب: و شاهی در شب از شهر بیرون من رفت و در کنار خیابان نشسته در ذکر الهی معوم من شد. چون حالت ایشان متغیر من گشت و در بی قراری دوستی را با سینه من گرفت و از سینه مبارک حضرت صاحب' صدای "الله هو" من شنیدند "سبحان الله". این حال در کودکی داشتند.

فصل سوم: درآموزش و پرورش

حضرت میان شیرربانی قدس سرہ

آغاز آموزش از آیات قرآن گشت: چون حضرت میان شیرربانی قدس سرہ العزیز قابل راه رفتن شد، از آیات قرآن مجید آغاز آموزش کرد کتاب ابتدائی (قاعده اول) را بزودی از برندی زیر سپرستی والله بزرگواره و عم مکرم حضرت میان حمید الدین قرآن مجید را ناظره ختم فرمود عم مکرم حضرت صاحب را در مدرسه کوکان برد و نام ایشان ثبت کرد

آموزش کلاس پنجم و کتب عربی و فارسی مروجعه آن روزگار: من گویند حضرت صاحب در مدرسه خوش نبود. چون وقت مدرسه تمام من شد، حضرت صاحب سوی مسجد رخ من نمود و در مسجد رسیله و سرخم کرده در گوشه من نشست در مدرسه تا کلاس پنجم ابتدائی آموزش و پرورش رسمی را اخذ نمود. چون مشیت رب کریم دیگر بود لذاز تعلیم مدرسه فارغ التحصیل شده در تعلیم کتب عربی و فارسی مروجعه و متداوله آن روزگار مشغول گشت و بکوششهای جد بزرگوار حضرت حافظ محمد حسین رحمته الله علیه و عم مکرم حضرت حمید الدین رحمته الله علیه در راه آموزش و پرورش گام من زد و در روایتی است که از عم بزرگوار خود کلام مجید و چند کتب فارسی آموخته بود و سپس نصاب مروجعه از بزرگان دیگر مثل حکیم شیر علی که شاگرد رشید مولانا غلام رسول بود نیز درس من خواند.

بهره مندی از عرفان الهی: معروف است که چون حضرت میان شیرربانی قدس سرہ سیپاره (جزی قرآن عظیم) من خواند، اشکها از چشم مبارکش رو ان من گشت و سیپاره از آب رسیله‌گی خسته من شد. چون جد بزرگوار سبب

اشک فشانی می پرسید، حضرت صاحب خاموشی اختیار می فرمود گویا
بزیان حال می گفت که خداوند کریم مرا عرفان خود نصیب فرموده است و
من در یاد الهی معنو و مستفرق گشته گریان می شوم ○

مهارت در فن خطاطی: حضرت مولانا شیرربانی قدم سره فن خطاطی را از
وراثت آباء و اجداد یافته بود لذا در خوشنویسی و خطاطی مهارت خاصه پیدا
کرده بود و در خط های گون مشق می فرمود در بیاض ها آیات قرآن و
کلمات دیگر بالخصوص اسم اعظم "الله" (جل جلاله) و نام مبارک "
محمد" (صلی الله علیه وسلم) را با خیلی قشنگی و زیبائی خطاطی می
فرمود گاتبان و خوشنویسان ماهر این هارا دیده انگشت بدندان می گشتند
در این فن نیز مقصود حضرت میان صاحب فقط حصول و وصول الی الله بود
زیرا که فقط حمد و ثنای باری تعالی و نعمت رسول مقبول صلی الله علیه
 وسلم و اسمای نبوی را بانقلاب و نگار رقم و تحریر می فرمود و خط مبارک
حضرت صاحب مظہر محبت الهی و عشق رسول مقبول بود

فصل چهارم: در عالم شباب

حضرت میان شیرربانی قدس سرہ

حضرت شیرربانی محب صادق و عاشق حقیقی بود، در آغاز ورود به جهان
در عشق الهی مستفرق گشته بود و چون حرف من زد، کلامش از عشق الهی
معلو می بود و چون در مکتب می رفت، درسش یاد و ذکر الی می بود ○
چون آغاز نگارش می نمود، دستش اسم الهی و نام گرامی "محمد مصطفی"
صلی الله علیه و آله وسلم رقم می فرمود و چون همراه دوستان می نشست
اسم "الله" جل جلاله از زبان بلند می کرد و در خلوت و جلوت در ذکر الهی

مشغول من بود جوانی و عالم شباب حضرت صاحب نیز نمونه عالی فکر و عبادت و یاد الهی من بود:

- قیاس کن ز گستاخ من بهار مرا

خلوت گزینی: چون حضرت شیرربانی رحمته اللہ علیہ از کودکی به حد جوانی وارد شد، تاکنون نیز در قبرستان من رفت و در قبرهای شکسته و خراب شده من خوابید و کیف و لذت روحانی زیاد محسوس من کرد و در عالم آخرت مستفرق من گشتند

حالت سکر: حضرت میاں شیرربانی در عشق الهی این طور فنا گشته بود که چون صدای چرخی من شنید، در وجود من آمد و حالت سکر بر ایشان غلبه من کرد و درین حال بر هر کسی که نگاه من فرمود، او نیز در وجود من آمد.

عربی در وجود آمد: یک نفر عربی در مسجد حضرت شیرربانی رحمته اللہ علیہ آمد، چون حضرت میاں صاحب را دید، گفت: "این مجرمین است" - حضرت میاں صاحب که همواره سرشار از من توحید من بود، چون نگاه معمور عرفانی سوی این عربی فرمود، او در وجود آمد.

شفقت با خلق خدا: حضرت صاحب شبی به مادر بزرگواره خود فرمود که مرا سرد است. مادر بزرگواره حضرت میاں صاحب رالعافی پوشانید بعد ازان فرمود: "مادر جان سرما تاکنون افیتم من دهد" - مادر بزرگواره فرمود: "امروز شمارا چه است؟" فرمود که آیا مهمانی درخانه داریم؟ مادر بزرگواره فرمود: "آری"! حضرت فرمود: "آن را رخت خواب وغیره داده اند؟" "چرانه؟" مادر گفت. حضرت صاحب فرمود: "همراه اش اسبی است؟" مادر گفت: "آری، همراه او اسبی است که آن را بیرون بسته اند". حضرت صاحب فرمود: "مادر جان وقتی گه آن اسب از سرما محفوظ شد، سرمهی من نیز کم من شود". - سبحان اللہ

یاری و کمک به مغلسان: حضرت صاحب[ؐ] چون کسی مغلس را می دید که احتیاج به جامه دارد، از خانه جامه می آورد و او را می داد و چون می دید که کسی گرسنه است، از خانه طعام می آورد و به او می خورانید.

تقوی کوشی: میگویند درویش بویه نام فصل دین[ؐ] که در مسجد حضرت میان شیرربانی قلس سره اقامت داشت، مردم بود خیلی متقد و نیکه طعام از خانه مشتبه هر گز نمی خورد و بر کسانی که اعتماد کامل داشت که رزق ایشان حلال و طیب است، از ایشان آرد می گرفت و بدست خود نان می پخت. حضرت میان صاحب[ؐ] نان خود به او می داد و نانی که او می پخت، آنرا تناول می فرمود.

دوست و مسکین پروری: حضرت میان شیرربانی قلس سره خیلی دوست پرور و مسکین نوازبود اکثر و بیشتر از بازار و دکان ها چیزهای خورش و نوش می آورد و دوستان و مسکینان که احتیاج مند می بودند، را مجانی می داد و این کار خیر تاحد می کرد که مقروظ می گشتند.

بشارت غیبی: روزی پدر بزرگوار[ؐ] حضرت میان صاحب[ؐ] وقت سعری بر اسبی سوار شده به کاری خود تشریف می برد که کسی لگام اسب او گرفت و گفت: "پسری را که شما دیوانه خیال می کنید وبا او نا راحت می شوید، روزی مرد اقبال مند و صاحب مرتبه ای خواهد گشت و نام او خیلی شهرت خواهد یافت مگر شما آن را نخواهید دید".

پدر بزرگوار[ؐ] حضرت میان صاحب[ؐ] ازین بشارت غیبی، از مستقبل و آینده روش و شاندار پرسش آگاه شد و بعد ازین همواره با حضرت میان صاحب[ؐ] خیلی مهریان می بود و وامهای (که حضرت میان صاحب[ؐ] برای کمک و یاری دوستان و مسکینان و احتیاج مندان می گرفت) حضرت میان صاحب[ؐ] را ادامی نمود.

قبولیت دعا: بگفته تذکره نگاران حضرت شیرربانی قلس سره روزی در

هوای تابستان گرم بر سقف مسجد نشسته بود ناگاه در حال سکر آمد و از سایه بلند شده در آفتاب رفته بر زمین دراز کشیده و از بان مبارکش می فرمود که باید ما از گرمای مولا کریم نیز لطف انداز بشویم بعد ازان از گرما و آفتاب عرق از بدن مبارک حضرت صاحب چکیدن گرفت و حضرت صاحب ایستاده گشته نشست و نگاهش به آسمان کرده گفت : خداوندا اکنون باران بده و هوا را سرد بفرمای که برای تو مشکل نباشد ! من گویند که همون وقت بر آسمان پاره ای ابر نمودار گشت و باران آمد حضرت میان صاحب قدس سره از سقف مسجد پائین آمد و با دوستائش نشسته گریه می کرد و استغفار می خواند و می فرمود : "نمی دانم که خداوند باران دادن من خواست یا نه ؟ چرا من خواهش این کردم ؟" تا روزهای زیاد همین کلمات تاسف آمیز بر زبان مبارکش جاری می بود و به عجز و انکسار خود اشکها می ریختند

شهسوار بلند مرتبه ای : حضرت میان شیرربانی قدس سره از آغا ز عمرش خیلی دوستدار سوار شدن بر اسب می بود اسبی تند و تیز و بدخو چون در رکاب حضرت می آمد و حضرت صاحب لگام او گرفته بر آن سوار می گشت 'آن اسب مطیع و فرمانبردار حضرت صاحب می شد من گویند که برخی مردمان حضرت میان صاحب را "ملک الموت" اسبان می گفتند

باری مردم از ده دیگر بر موقع ازدواج عزیزی در شرقپور شریف آمدند و همراه ایشان اسبی بدخو بود چون آنان دامستانهای شاهسواری حضرت میان صاحب قدس سره شنیده بودند لذا برای آزمائش و امتحان حضرت صاحب اسب بدخوی خود را در حضور حضرت صاحب آوردند و گفتند که لطفاً بر این اسب سوار بشوید حضرت میان صاحب فوراً بر اسب منکوره سوار گشت و اسبی که به بلماجری خود معروف بود و هرگز نمی گذاشت که کس بزودی و به آسانی بپیشتش سوار شود 'اصلًا' دمی نکشید و از جای خود پائی نبرداشت و مطیع و فرمانبردار حضرت صاحب گشت و حضرت صاحب مر

جانبی که لگامش می‌کرد، آن طرف راه می‌رفت. چون مردم این حکرامت حضرت صاحب دیدند، "فوراً" در عقیدتمندان حضرت صاحب شامل گشتند. اندازه اراده یا قوت: قاضی ضیاء الدین لاہوری روایت می‌کند که مولوی یار محمد مرحوم فرمود که باری حضرت میان صاحب "ناموضع" "چونیان" تشریف برندند وقت برگشتن حضرت میان صاحب "کسی اسبی برای سوار شدن حضرت میان صاحب" آورد و آن اسبی بود، بسیار تیز رفتار و زور آور، ولی حضرت میان صاحب "این را در خاطر نیاورد و چون اسب نزد حضرت میان صاحب" آمد، حضرت میان صاحب برپشتش دست مالید و بر ان سوار گشتند. اسب هیچ حرکتی ناشائسته نکرد و به آرام راه رفت. پس حضرت میان صاحب از "چونیان" جائی دیگر سفر کرد و گویا در حجره شاه مقیم تشریف برد.

فصل پنجم: در بیعت مرشد تاعطا خلافت

راه روان جاده عرفان و تصوف همواره می‌خواهند که هر نفس ایشان در محبت و ذکر و عبادت الهی صرف گردد. لذا ایشان در عبادت و ریاضت معنوی شوند و در رینماشی مرشدان کامل و مکمل این منازل و مراحل را با کمال صدق و صفاتی می‌کنند. ایشان می‌دانند که هیچ عبادت و ریاضت که خلاف سنت خیر الانام صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم باشد، مقبول نمی‌گردد:

خلاف پیغمبر کسی را گزید که هر گز بمنزل نخواهد رسید
شجره طریقت حضرت شیرربانی قدس سره: حضرت میان
شیرربانی قدس سره چون از علوم ظاهری کسب و اخذ نصیب خود کرد،
بردهست مبارک حضرت بابا امیرالدین نقشبندی رحمته اللہ علیہ (ساکن

کوئلہ پنجو بیگ) بیعت نمود که یکی از بزرگان و عارفان سلسله عالیه نقشبندیه مجددیه بود زنجیره و شجره طریقت حضرت میاں شیرربانی قرار زیر است:

حضرت میاں شیرربانی شیر محمد رحمتہ اللہ علیہ مرید حضرت خواجه امیرالدین قدس سره (م ۹ زیعد ۱۳۲۱ھ کوئلہ پنجو بیگ بخش شنپوره) و ایشان مرید حضرت خواجه امام علی شاه قدس سره (م ۱۳ اشویل ۱۲۸۲ھ) و نیز ایشان استفاده از خواجه صادق علی شاه قدس سره فرزند و جانشین حضرت خواجه امام علی شاه قدس سره کرده بود و حضرت خواجه امام علی شاه قدس سره (که مزار ایشان در رتّر چهتر مکان شریف، نزد گورناس پور هند واقع است) مرید حضرت خواجه قاضی احمد دعائی قدس سره (م ۱۲۲۳ھ) که ساکن موضع قاضی گونه احمد، علاقه سند) و ایشان مرید حضرت خواجه محمد زمان قدس سره (م ۲ زیعد ۱۲۸۸ھ، ساکن لواری شریف، بخش بدین، سند) و ایشان مرید حضرت خواجه شیخ محمد تتوی قدس سره (م ۹ ذوالحجہ که کرم) مرید حضرت محمد حنیف پارسا قدس سره (م کیم صفر ۱۰۲۳ھ، بامیان از توابع کابل) و نیز از روحانیت حضرت خواجه زکی قدس سره (م ۱۳۲۲ھ، تکلی لاغنی) استفاده فرمود و حضرت خواجه محمد حنیف پارسا قدس سره مرید حضرت خواجه عبدالاحد قدس سره (م ۱۷۲۴ھ، ذوالحجہ ۱۲۶۱ھ، سرہند شریف) که ایشان بیعت و مرید پدر بزرگوار خود حضرت خواجه محمد سعید (م ۲۸ جلوی اثنانی ۱۰۰۰ھ، سرہند شریف) و سپس از عم بزرگوار خود حضرت خواجه محمد معصوم (م ۹ ربیع الاول ۱۰۷۹ھ، سرہند شریف) نیز استفاده روحانی فرموده است و خواجه محمد سعید قدس سره مرید حضرت امام ربانی مجدد الف ثانی شیخ احمد فاروقی سرهنگی قدس سره (م ۲۸ صفر ۱۰۳۳ھ، سرہند شریف) و ایشان مرید حضرت خواجه محمد باقی بالله قدس سره (م ۲۵ جلوی اثنانی ۱۰۱۲ھ، دھلی شریف) و ایشان مرید حضرت خواجه محمد انگنگی قدس سره (م ۱۲۰۰ھ، موضع اکنہ نزد بخارا) و ایشان مرید حضرت مولانا محمد درویش شعبان اعظم) (م ۱۰۰۸ھ، موضع اکنہ نزد بخارا)

قدس سره (م ۲۹ محرم ۹۰۷هـ، استرار مضافات بوراء النهر) وايشان مرید حضرت مولانا زاهد ولی قدس سره (م کیم ربیع الاول ۹۳۹هـ، موضع دش) وايشان مرید حضرت خواجه عبیدالله احرار قدس سره (م ۲۹ ربیع الاول ۸۹۵هـ، سرفند) وايشان مرید حضرت مولانا یعقوب چرخی قدس سره (م ۵ صفر ۸۵۱هـ، حلقوت) وايشان مرید حضرت خواجه علام الدین عطار اقدم سره (م ۲۰ ربیع الثانی ۸۰۲هـ، موضع چغانیان) وايشان مرید امام الطریقت و الشریعت بانی سلسلہ نقشبندیہ حضرت خواجه بهاء الدین نقشبند قدس سره (م ۳ - ربیع الاول ۹۶۷هـ، قصر عارفان، بخارا) وايشان مرید حضرت خواجه امیر کلال قدس سره (م ۸ جمادی الاول ۷۷۲هـ، "سورخا" نزد بخارا) وايشان مرید حضرت خواجه رامیقنى قدس سره (م ۱۰ جمادی الثانی ۷۵۵هـ، موضع "ساس" نزد بخارا) وايشان مرید حضرت خواجه رامیقنى قدس سره (م ۲۸ ذی القعده ۷۲۱هـ، خوارزم منطقه بخارا) وايشان مرید حضرت خواجه محمود انجیر مفتونی قدس سره (م ۷۱۵هـ، انجیر قند) وايشان مرید حضرت خواجه عارف ریوگری قدس سره (م کیم شوال ۱۶۹هـ، "ریوگر" نزد بخارا) وايشان مرید حضرت خواجه عبدالغماک غجدوانی قدس سره (م ۱۴ ربیع الاول ۷۵۵هـ، نحمد وان) وايشان مرید حضرت خواجه یوسف همدانی قدس سره (م ۲۷ ربیع الثانی ۵۳۵هـ، مرد) وايشان مرید حضرت خواجه ابو على فارمندی قدس سره (م ۳ ربیع الاول ۷۳۷هـ، طوس) وايشان مرید حضرت خواجه ابوالحسن خرقانی (م ۱۰ محرم ۲۲۵هـ، خرقان) وايشان مرید حضرت بايزيد بسطامی قدس سره (م ۱۷ شعبان ۷۶۱هـ، بسطام) وايشان مرید حضرت امام جعفر صادق قدس سره (م ۱۵ ربیع الثانی ۷۳۸هـ، مدینه منوره) وايشان مرید حضرت امام قاسم بن محمد ابی بکر رضی اللہ تعالیٰ عنہ (م ۱۳ جمادی الاول ۱۰۱هـ، مدائن) وايشان مرید حضرت سلمان فارس رضی اللہ تعالیٰ عنہ (م ۱۰ ربیع الثانی ۷۲۲هـ، مدائن) وايشان مرید صدیق اکبر حضرت ابوبکر صدیق رضی اللہ عنہ (م ۲۳ جمادی الثانی ۷۳۱هـ، مدینه منوره) وايشان مرید سید المرسلین و خاتم النبیین و رحمته للعالمین سیدنا و شفیعنا و سلیمانی فی الدارین حضرت محمد مصطفیٰ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم وصال مبارک (۱۱)

ربيع الاول ۱۴۰۰ هـ (منتهى منوره) -

در خدمت حضرت سعادت علی رحمته اللہ علیہ: حضرت میاں شیرربانی در عبادت و ریاضت مشغول می بود و جستجو می کرد که بیعت مرشدی بگند که کامل و مکمل باشد بزرگی از خانواده حضرت میاں شیرربانی تعلق روحانی به "حجره شاه مقیم" داشت. لذا در آغاز به "حجره شریف" در خدمت حضرت پیر سعادت علی سجاده نشین حجره شاه مقیم رفت. حضرت پیر سعادت علی چون دانست که حضرت میاں صاحب برای بیعت نمودن با ایشان آمدہ است فرمود: مرشدی بلند مرتبه و کاملی را بجو که ما از دستگیری عاجز آمدہ ایم.

بیعت با حضرت بابا امیرالدین نقشبندی: در آن روزها حضرت بابا امیرالدین نقشبندی قدس سره اکثر و بیشتر از "کوئله شریف" به "شرقپور شریف" نزد جد بزرگوار حضرت میاں شیرربانی تشریف می آورد و درخانه ایشان که قریب مسجد شرقپور بود، اقامت می فرمود. مدتی در شرقپور شریف قیام می کرد و بعداً به خانه خود در کوئله شریف برمی گشت.

حضرت بابا امیر الدین نقشبندی از عارفان بلند مرتبه و کامل مکمل سلسله عالیه نقشبندیه مجددیه بود. روزی با تصرف روحانی حضرت میاں شیرربانی قدس سره را جانب خود کشید. حضرت میاں صاحب همون وقت بیعت ایشان کرد و در مریدان و عقیدت مندان ایشان شامل گشت. حضرت بابا امیرالدین توجه خصوصی روحانی بر حضرت میاں صاحب نمود و تلقین ذکر و وظائف سلسله عالیه نقشبندیه مجددیه فرمود. حضرت میاں صاحب در حالت جذب و سکر آمد و بیغود شده گریبان چاک نموده در عالم بیقراری بر در مساجد می رفت و در ذکر الهی مشغول شده "اللہ، اللہ" می فرمود و در بیابان ها می رفت و در ذکر و فکر و عبادت الهی و ریاضتهای شاقه می نمود و مدتی زیاد در عالم سکر بود.

طی منازل عرفانی : ہمواره خدمت پیر و مرشد من کرد و در سهای روحانی که از پیر و مرشد من گرفت، آنها را کاملاً در معمولات خود شامل من کرد لذا در وقت خیلی کم در ادای اشتغال سلسله نقشبندیه مجددیه کمال حاصل نمود لطایف شش گانه ادا فرمود و منزل سلطان الذکر طی نمود و مهارت خاصه در ذکر نفی و اثبات و طریقه یادداشت حاصل کرد و در اتباع سنت خیر الانام مستفرق شده منازل فنا فی الشیخ و فنا فی الرسول و فنا فی اللہ را طی نمود

چون پیر و مرشد حضرت میان شیر ربانی قدس سره را در معراج کمال دید، حضرت میان صاحب را در حضور خود طلب فرمود و تعریر عطای خلافت به حضرت میان صاحب پیش نمود حضرت میان صاحب عرض کرد: "حضرت من برای خلافت مرید نگشته بودم بلکه مقصودم این بود که از فیض و برکت بیعت شما بنده معبود حقیقی بشوم" - حضرت بابا امیرالدین نقشبندی مذکور حضرت میان صاحب را شرف قبولیت بخشد.

کسب علوم ظاهري و نقلی از مرشد خود : حضرت بابا امیرالدین قدس سره اکثر و بیشتر در شرقپور تشریف من آورد و حضرت میان شیر ربانی قدس سره همواره شب و روز خدمت پیر و مرشد خود من کرد باری حضرت امیر الدین به مرید صادق خود حضرت میان صاحب را فرمود که زیر سپرستی من کتب سیر و سوانح انبیاء و عرفاء و طریقت و شریعت را مطالعه بگنید. لذا حضرت میان صاحب ارشاد مرشد و شیخ خود را تعیین کرد و این طور کسب علوم ظاهري و نقلی را نیز بلا واسطه از مرشد کامل و مکمل خود اخذ نمود.

عطای خرقه خلافت : مرشد و شیخ مشفق و کامل بر حضرت میان شیر ربانی قدس سره خیلی لطف و شفقت و عنایت من فرمود چون "خلافت نامه" تعریر فرموده به حضرت میان صاحب خرقه خلافت پوشانیدن

میغواست' حضرت میاں صاحب^ح خاموش می ماند یا معمذت می کرد روزی
بر موقع مناسب به خدمت مرشد خود التماں نیز کرده بود که معلوماً من
خودم را لائق و سزاوار این مرتبت نمی دانم و معمذت می خواهم
دو و نیم سال همین طور گذشت. روزی حضرت بابا امیر الدین حضرت
میاں صاحب^ح را طلب کرده فرمود: "اگر مرا مرشد خود خیال می کنید"
کفته من را قبول کنید و مزید پس و پیش نکیند. اکنون وقت من قریب
است و نوبت کار شمامی آید لذا هر جایی که می گوییم آنجا بروید و خدمت
مردم و خلقت خدا بکنید در همین فلاح شماست و یقین بکنید که ازین
فرضه و کار هیچ چیز افضل تر نباشد. هر چه دارید در تقسیم آن بخواهد نکیند
و هر چه ندارید از خالق و پروردگار امید داشته باشید که شمارا حتماً" می
نهاد. هر چه طلب می کنید نصیب خود رامی یا بید و اکنون جای فرار برای
شما نیست" -

سپس حضرت بابا امیر الدین نقشبندی قدس سره بحسبت مبارک خود
خرقه خلافت به حضرت میاں شیربانی قدس سره را پوشانید و دستار روی سر
مبارک البیشان بست. حضرت میاں صاحب^ح سند خلافت و دستار و خلقت
خلافت را بسر و چشم فرسوده و دربارگاه خداوند سجده شکر بجا آورد
بنای خانقاہ نقشبندیه در شرقپور شریف: بعد از عطای خرقه خلافت
حضرت بابا امیر الدین نقشبندی قدس سره حضرت میاں شیربانی قدس سره را
فرمود که در شرقپور بروید و مردم را در راه حق رهنمائی بفرمائید لذا
حضرت میاں صاحب^ح از خانقاہ پیر و مرشد به شرقپور شریف تشریف آورد و بر
مسند ولایت ممکن گشت و در شرقپور شریف بشیاد خانقاہی از مسلسله
عالیه نقشبندیه مجدهای نهاد و در رهبری و رهنمائی طالبان حق مشغول شد
در مدتی کم و قلیل شهره این خانقاہ در همه منطقه و کشور معروف گشت
و مردم از راه های دور شبے قاره پاک و هند به جانب این خانقاہ می دویلند و

این سلسله تاکنون جاری است
افتخار مرشد: حضرت بابا امیرالدین قدس سره مرشد حضرت میان شیرربانی
قدس سره من فرمود که اگر خداوند از من پرسید که از دنیا چه آورده اید؟
من "شیر محمد" (حضرت میان شیرربانی) را در حضور خداوند پیش خواهم
کرد "سبحان الله".

فصل ششم: در مسافرت های روحانی

حضرت میان شیرربانی قدس سره همواره در شرقپور شریف من بود
زیرا که مردم از راه های دور و دراز به شرقپور شریف من آمدند و معروف شده
بود که خانقاہ نقشبندیه مجددیه شرقپور شریف از وجود مسعود حضرت
میان شیرربانی رحمته الله علیه نشان و وسیله مشکل کشایی و غمگساری
خلقت خدا من باشد. لذا حضرت میان صاحب خیلی کم به مسافرت من
رفتند. مردم نمی گناشتند که حضرت صاحب از شرقپور شریف بیرون برود
و حضرت میان شیرربانی قدس سره نیز با معمولات خویش خیلی علاقه مند بود و
پیشه در عبادت الهی مستفرق و در تبلیغ و آموزش طالبان حق و مریدان و
عقیدتمندان خویش مشغول من بود.

بازم با پابندی خاصه در "قصور" من رفت و سفر لاهور برای زیارت درگاه
حضرت شیخ ابوالحسن علی هجویری معروف به "داتا گنج بخش" رحمته الله
علیه و مسافرت به پیشاور برای زیارت مقبره حضرت شاه محمد غوث قادری
معمول ایشان گشته بود و با آغا شاه سکندر قادری نیز ملاقات کرد با حضرت
خواجه محمد باقی بالله قدس سره و حضرت مجدد الف ثانی شیخ احمد
فاروقی سر هنلی قدس سره عقیدت و محبت خاصه داشت لذا بارها به
مسافرت های دهلی و سرہند شریف (هند) تشریف من بردا سفر های روحانی

پانی پت (هند) برای زیارت درگاه غوث علی شاه پانی پتی کرده بود و مسافرت روحانی کرنال (هند) نیز فرمود درمولتان برای زیارت درگاه حضرت خواجه بهاء الحق والدین زکریا مولتانی تشریف می برد و مسافرت به بریلی (هند) با ملاقات کردن با اعلیٰ حضرت شاه احمد رضا خان بریلوی رحمته الله عليه نیز کرده بود برای زیارت مزار حضرت قاضی احمد دعائی قدمی سره در موضع قاضی گونه احمد منطقه سند تشریف برده بود و در قصبه بیر بل شریف (بغش سرگونها) و قصبه لله شریف (بغش جهلم) نیز رفته است دو بار مسافرت گولزه شریف (بغش راولپنڈی) کرده بودو با حضرت پیر محمد علی

شاه ملاقات روحانی فرموده بود

درخانه های مریدان و اراد تمدنان قیام کردن هر گز پسند نمی فرمود ارادتمدنانی خیلی کم را شرف مهمان نوازی حضرت میان شیر محمد ربانی قدس سره نصیب گردیده است

فیضان مبارک

فصل اول در اتباع سنت

حضرت میاں شیر بانی قدس سرہ پیغمبر اتباع سنت بود در هر قول و فعل پاسداری سنت رسول مقبول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم می کرد اگر کسی عملی خلاف سنت می نمود و حضرت میاں صاحب آن را می دید، اظہار ناراحتی و ناگواری زیاد می فرمود در مرکاری و فعلی می خواست که سنت خیر الانام صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم جاری و ساری باشد در نیاز صفهارا بمعطابق سنت با دست مبارکش درست و راست می فرمود در عبادت و ریاضت و گفتار و گرفدار و آداب و معاشرت و نشست و برخاست و وضع و قطع خویش، ممواره سنت رسول اکرم صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم را دوست می داشتند غرضی که در هر لمحه زندگانی خود تفسیر عملی آیه کریمه: "اطیعو اللہ و اطیعوا الرسول" می بود.

چون کسی عملی خلاف سنت می کرد، حضرت میاں صاحب آنرا بتنظر حقارت می نگیریست و عزت و احترام او هرگز نمی کرد و اکثر و بیشتر می فرمود که اگر مسلمان عمل خلاف سنت و غیر مشروع را بیند، باید مثل گرگ گرسنه که بر بز حمله اور می شود، بر مخالف پیغمبر اکرم و تارک سنت به افتد.

حضرت میاں شیر بانی قدس سرہ در زندگانی مبارکش روح و معنویت اتباع سنت را تازه نمود هر کسی که در خدمت ایشان حاضر می گشت، او را تاکیدی می فرمود که در اتباع سنت رحمت دو عالم صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم کو شان باشد که کامرانی دو جهان در پیروی سنت می باشد. حضرت

میان صاحبِ محب و عاشق صادق آنحضرت صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم بود اکثر در حال سکر من فرمود که ما از رسول اکرم صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم آگاه هستیم و چون در حال صعومی آمد من فرمود نه "بعد از خدا بزرگ توئی قصه مختصرا"۔

شادروان (مولوی) میان سر محمد شفیع برادر خاله زاد حضرت میان شیر ربانی قدس سره بود باری حضرت میان صاحب پیش خاله خود به لاپور تشریف برد و به خاله خود فرمود: "خاله جان چه پسری مختیث زائیده اید که نه ریش دارد و نه سبیل! اگر امروز او ریش من داشت، چون در کونسل (کمیته) انگلیسیه من نشست، چقدر قشنگ من بود و از شکر و صورتش چه رعب و دیدبه اسلام بر دل انگلیسیها نقش من گشت و انگلیسیها من دانستند که مسلمان اینقدر بارعب و باوقار من باشند، مگر تاسف من خورم که او (میان محمد شفیع) عیسائی (نصرانی) گشته است (یعنی شکر و صورتش مثل مسلمانان ندارد)"۔

حضرت میان صاحب باری به سر محمد شفیع فرمود: "دلم نمی خواهد که اسم شما بربازان رانم، اسم شما چقدر قشنگ است، رعایت اسم شما بگنید و بسگالید و بفهمید که صورت پدر شما چقدر عالی بود، امروز شما آن طور شکر و صورت هارا دوست ندارید، در حقیقت این هم خطای همون بزرگان هست که شمارا در ولایت (تلنن) فرستاده اند، اگر ایشان شمارا آنجا نمی فرستادند، شکر و صورت شما هر گز مسخ نمی شد"۔

روزی افسری از اداره قطار (ریلوے سپریشننث) در خدمت حضرت میان شیر ربانی قدس سره آمد که ریش و سبیل تراشیده و بر سر کلاه اداری و معکمانه داشته، حضرت میان صاحب از او پرسید که شمارا چقدر حقوق (تنخواه) من دهنده؟ گفت: "هزاریا یازده صد روپیه!" حضرت میان صاحب لطمه‌ای زور دار طوری بر رخسارش زد که کلاه اش دور افتاد و سپس فرمود

که آیا این هزار روپیه شمارا از "منکر و نکیر" محفوظ خواهد داشت و "پلصراط" را بوسیله همین عبور خواهی کرد؟ و آیا وقت حساب و کتاب در محشر رشوه داده درجست خواهی رفت؟ آیا مسلمانی همین است؟ بهه فرزندان انگلیسیها اند و در انگلستان فرزندان بدون پدر یعنی طور من باشند.

اہل دنیا گافران مطلق اند

روز و شب دربق بق و در رق رق اند

اہل دنیا چه کهین و چه مهین
لعت اللہ علیهم اجمعین

اہل دنیا چون سگ دیوانه اند

دور شو زیشان که بس بیگانه اند

باز فرمود: "آقا پاسداری قانون خداوند چیزیست، آنرا کسی ادامی کند که خالق و مالک خویش را احترام بگذارد". این افسره از بیان مبارک و تنبیه حضرت میان صاحب خیلی متاثر گردید و در آینده حالت خود را درست نمود.

فصل دوم: در ارشاد و تبلیغ دین: اکثر عالمان در خدمت حضرت میان شیرربانی قلمون سره حاضر من گشتند. حضرت صاحب از ایشان من پر سید اکنون حال پاسداری شریعت چه طور است؟ برخی من گفته اکنون حال پاسداری شرع خیلی خوب است! مردم نماز هامی خوانند و روزه هامی گیرند. حضرت میان صاحب من فرمود که وضع حقوق مردم چطور است؟ پدر دشمن پسر و زن دشمن خاوند و همسایه دشمن همسایه من باشد! آیا یعنی پاسداری شرع است؟ چشمها مردم عالمان وازن شد و ایشان در هوش من آمدند و من گفتند: آری، حضرت صاحب، مردم شرع و قرآن عظیم را پس پشت گذاشته اند. باز حضرت میان صاحب من پر سید: "آیا بیست سال قبل ازین حالت مردم همین بود؟" عرض من نمودند: "نه، حضرت صاحب قبل ازین در

مردم محبت و خلوص و مదدی بوده که الان اصلاً مفقود است. حضرت میان صاحب من فرمود که لین همه اثر انگلیسیهاست (یعنی اثر حکمرانی و ثقافت نصاری بر مسلمانان من باشد)

روش پند و اندرز : روزی حضرت میان شیرازی قلس سره در "حجره شریف" تشریف بود. لین ده پیر خانه بزرگان حضرت میان صاحب بود دید که سجاده نشین خانقه حجره شریف ریش تراشیده دارد و اهتمام اوقات نماز نیز ندارد و برای شکار و صید تفنگ و سگ وغیره داشته باشد. حضرت میان صاحب به او فرمود: این چه طرزی است که شما اختیار نموده اید؟ آیا آبا و اجداد شما اینطور من کردند؟ یا این سنت رسول مقبول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم و طریق حضرت علی رضی اللہ تعالیٰ عنہ من باشد.

جناب سجاده نشین چون این حرفهای حضرت میان صاحب شنید، خیلی شرمنده گشت و زار و قطار گریستن آغاز کرد و گفت "من همه خلاف روش بزرگان خود کرده ام، الان توبه من کنم و در آینده اینطور کار هائی کنم و برداشت شما توبه من کنم".

طرز اصلاح احوال مردم : چون حضرت میان شیرازی قلس سره کس را می دید که در او عیبیست، او را بلا تردد مطلع من فرمود، حاکم بود یا معکوم و مسکین بود یا مالدار و مسافر بود یا هم شهری و رشته دار بود یا غیری، او را بهر طوری از عیش آگاه من ساختم. مردم حرفهای حضرت میان صاحب را برضاء و رغبت من شنیدند چرا که من دانستند که کسی که با ایشان نصیحت من فرمود او حضرت میان شیرازی من بود که خودش نمونه کامل اتباع سنت مصطفی علیه الصلوٰۃ والسلام پیش من نمود.

علامه اقبال لاهوری در حضور حضرت شیرازی قلس سره: روایتی است که باری علامه اقبال لاهوری (شاعر مشرق و مفکر اسلام جهانی) برای زیارت حضرت میان صاحب به شرقپور شریف آمد و بود. حضرت میان

صاحب قلمون سره چون علامه اقبال را دید، فرمود که اقبال گاه بگاه من آید (یعنی هر روز نمی آید) و بعداً فرمود که حجاج را بیارید که من ریش خود را بترا سشم. این انداز و روش تبلیغ حضرت میان صاحب بود که اقبال را احساس من داد که شما سنت مصطفی صلی الله علیه وسلم یعنی ریش ندارید. علامه اقبال اشاره حضرت میان صاحب را فهمید و درک کرد و گفت که حضرت باید از گناه نفرت کرد نه که از گنامگار! ولی چون اقبال حرفهای حکمت آمیز حضرت میان صاحب راشنیده ممون وقت در چشمیش اشکها روان گشتند.

حضرت میان صاحب شفقت و محبت زیاد به اقبال فرمود و توجه او را به سوی امور شرعی نمود. میگویند که علامه اقبال تاملتی زیاد نشسته گریان بوده و تاسف من خورده که او در آخر عمرش زیارت حضرت میان صاحب نموده است. روایتی است که علامه اقبال در مدح حضرت میان صاحب قطمه گفت و در حضور حضرت صاحب آن را خواند. ولی حضرت میان صاحب حسب معمول از کسر نفسی خود آن قطمه (که درستاش ایشان بود) را نه پستید و سپس اقبال نیز آنرا از ذهنیش فراموش کرد.

ابو شفقت حضرت میان صاحب: ابو شفقت حضرت میان شیرربانی مش باران من بارید و در حضور حضرت میان صاحب فقط مسلمانان نمی آمدند بلکه مردم غیر مسلم نیز برای زیارت ایشان حاضر من گشتند. حضرت میان صاحب با هر کس رفتار خوب و مساوی من کرد و در خانقاہ ایشان همه گمان عزت و حرمت من یافتند.

باری شخصی که منهباً سیکه (سیک) بوده در خانقاہ حضرت میان صاحب حاضر گشت. گویا مردمان زیاد در خدمت حضرت صاحب موجود بودند. لذا این سیکه (سیک) در گوشه‌ای خاموش گشته نشسته مدتی سرش را خم گرده نشسته و سپس بلند شده و قریب حضرت میان صاحب آمد.

و اجازه رفتن طلبیله گفت: "حضرت صاحب' خداوند شما را اجر بدهد' کاری که از سالها درست نمی شد' اکنون در حضور شما درست شده است" گویا او را نوبت به عرض گزاری نیز نشد ولی دلش قرار یافت. "سبحان الله".

سیکه مسلمان گشت: باری حضرت میان شیرینی قدس سره در سر هند شریف (هند) برای زیارت مزار مقدس حضرت مجلد الف ثانی امام ربانی شیخ احمد فاروقی سرهنگی قدم سره من رفت. در راه بریک ایستگاه قطار حضرت صاحب' پیاده گشت که برای وضو آب بگیرد چون آب وضو گرفته حضرت میان صاحب' برگشت جوانی خوش وضع و صورت را در لباس ارتضی ملبوس در اطاق قطار ایستاده دید. حضرت میان صاحب' نگاه خاص به سوی این جوان فرموده به او خطاب نمود: "ای جوان آیا صورت شما مثل مسلمانان می باشد؟" جوانی که سیکه (سیک) بود، اصلاً توجه به جانب حضرت صاحب نگرد و با تنی و ترشونی گفت: "برو، ای بزرگ' کار خود بکن" گویا نمی دانست که حضرت میان صاحب' داشت کار خود را انجام می داد. قطار بوق زد و به راه رفت.

نگاه همون جوان که سیکه بود، دویله در اطاق قطاری حضرت میان صاحب' وارد گشت و بر قدم مبارک ایشان افتاده عرض گزارشد: "حضرت مرا مسلمان بسا زید!" حضرت میان صاحب' با کمال محبت و شفقت او را به سینه خویش گرفت و فوراً مسلمانش کرد.

انداز ارشاد و تبلیغ: روش و طرز ارشاد و تبلیغ حضرت میان شیرینی خیلی عمدی و دلنشین و عالی بود و طرز گفتار ایشان شیرین و دلکش بود. ایشان خیلی نرم و سهل و ساده بصورت کلمات مسجع حرف می زد. ملاست و بلاغت حرفهای ایشان در حال خشمگینی نیز برقرار می بود. انداز گفتار اینقدر دلنشین بود که تاثیرش دورگش و ریشه شنووندی داخل می گرفتند.

۲۷

واقعات پیشمار سلف صالحین به حضرت صاحب را از بر بود و از آنها به مردم مثال هی آورد و تلقین و هدایت می نمود چون مردم واقعات پر تاثیر و فکر انگیز صالحان و عارفان از زبان مبارک حضرت میان صاحب می شنیدند
گریان می شدند و خود حضرت میان صاحب نیز همراه مردم شنونده گریان می شدند.

حضرت میان شیرازی قدم سره مردم را می فرمود: سیکهان (سیکان) را به بینید که بر تعلیمات گرو خود چقدر عمل می کنند نمی دانیم که ما مسلمانان چرا گرویده پیروی انگلیسیها شده ایم؟ ریش سیکهان (سیکان) را از مشاغل زندگانی و آموزش و کاروبار دنیا و استفاده دولت مرکز مانع نمی شود و بر ایشان هیچ کس اعتراض نیز نمی کند و آنان از هیچ کس نمی ترسند ولی ما مسلمانان خواه موهای سر نداشته باشیم ریش مان را حتماً می تراشیم آیا ما انگلیسیها را آگاه می سازیم که ما از دین اسلام تعلق خاصه نداریم؟

حضرت میان شیرازی قدم سره اکثر و بیشتر از مردم می پرسید که چند سال انگلیس را خوانده اید؟ "پاسخ می گفتند که دو سال و سه سال و پنج سال وغیره حضرت میان صاحب می فرمود که معنی "بسم الله" را بگویید مردمان زیاد جواب نمی دادند این روزگار بود که آفتاب حکمرانی و اقبال انگلیسیها برهمه جهان می تاپیل حضرت میان صاحب کارمند تنظیم سیاسی و معاشرتی نبود و نه تعلق به تنظیم داشت که علیه دولت انگلیس بود ولی بلاخوف علیه فرنگی و انگلیسیها حرف می زد و تهدیب آنان را مخالف اسلام می دانست لذا مردم سعرو طلبم خورده جاه و جلال دولت انگلیس را از قید و غلامی آنان آزاد می ساخت و مردمان را حوصله می داد که سر را بلند کرده زنده بمانند و از غلامی دولت و تهدیب انگلیسیها رها پشوند و در غلامی سرور کائنات و فخر موجودات حضرت محمد صلی

الله علیه وسلام در آیندگه همین فریعه نجات و فلاح دو جهان من باشد.
برخی مردم برای آزمودن پیش حضرت میان شیریانی قدس سره من آمدند و
چون صورت و سیرت ایشان را ملاحظه من کردند در عقیلتندان حضرت
صاحب شام گشته برمی گشتند شب و روز حضرت میان صاحب من
کتابی روشن بود که مردم آنرا خوانده مدلیت من یافتند هر که ساعتی یا
وقتی زیاد در حضور ایشان من نشست هر چند مخالف ایشان من بود نمونه
زندگانی ایشان را دیده در عقیلتندان ایشان شام گشته معترف درجات بلند
و عالی ایشان من شد.

احترام مردم: روزی یکی از مالداران فکر خاک نشینی و عبادت گزاری
حضرت میان شیریانی قدس سره را شنیده در خانقاہ ایشان حاضر شد وقت
طعام خوردن بود حضرت میان صاحب از او پرسید: "هراء شما کسست؟"
گفت: "آری نوکرم در پائین نشسته است". - گویا حقارت برای نوکرش
که داشت از روش گفتارش عیان بود لذا حضرت میان صاحب این مالداری را
به طرز عامیانه طعام داد و خودش پائین رفت.

حضرت میان صاحب پائین رفته نوکر آن شخص مالدار را با خود بالا آورد و
پیش همه مردم او را بطور خاص و باعزت و احترام نزد خویش نشانید و سپس
او را در طعام خوردن با خود شریک نمود چون از طعام خوردن فارغ گشت
فرمود: "چه ستم است که مردم متاع قلیل جهان (یعنی مال و دولت) را فریعه
عزت و حرمت خیال من گشته و این برای آخرت عذاب است" هر چه مال کم
خواهد بود حساب (محشر) آسان خواهد شد".

شفقت با مردگان: باری در شرقپور شریف ولای طاعون پیشانش شخصی
از مرض طاعون هلاک گشت مردم نزد میت اونمی رفتهند هیچ کس برای
کفن و دفن این مرد آماده نمی شد چون حضرت میان شیریانی قدس سره ازین
چیز آگاه گشت میان محمد دین که یکی از عقیلتندان حضرت صاحب

بود، او را همراه خود گرفته و در خانه آن شخصی مرده تشریف برد و مرده را به نسبت خود غسل داد. میان محمد دین آب بریند مرده می ریخت و حضرت صاحب^۱ او را می شست و عزیزان و رشتہ داران آن مرده دور ایستاده نظاره می کردند.

حضرت میان شیریان قلم سره میت را غسل داده گفن پوشانید و بر پیشانی مرده بوسه داد و با مردم خطاب فرمود: "الآن بیایید" - مردم پیش آمدند و چنانزه را بر برداشتند. چون در گورستان رسیلند حضرت میان صاحب^۱ میت را بدلست خود در گور گذاشت و دفن نمود سبحان اللہ

جنبه محبت عارفانه: چون انسان در معبت حق مستفرق می گردد^۲ او به همه کسان محبت می ورزد یعنی صاحب خوبیه معرفت -. چون حاجی جلال الدین صاحب نیلدار^۳ مقیم موضع "جوزا" که مسکن اهل حدیث بود از حج بیت اللہ پس آمد و گوییت های سفر مدینه منوره و در حین زیارت روضه مقدسه نبی کریم صلی اللہ علیہ وسلم که درک گردید طوری بیان نمود که کسی نسبت دار از کاملان نقل می نماید. بر این موقع حضرت میان صاحب نیز در قصور تشریف اورده بود مؤلف خوبیه معرفت می گوید که بنده واقعه^۴ جلال الدین صاحب موصوف در خدمت حضرت میان صاحب شرح دادم فرمود: "باید در موضع "جوزا" بروم! چنانچه صبح در موضع جوزا رسیلیم و حضرت میان صاحب^۵ با حاجی جلال الدین صاحب ملاقات نمود و از لیشان گوییت های مدینه منوره شنید و در حین شنیدن حالات مدینه منوره بر طبع عالی حضرت میان صاحب جذب طاری می گشتند. شب در همین ده بصر نمود. حاجی صاحب موصوف بسیار تواضع و خاطر مدارات "حضرت میان صاحب^۶" گرد.

حاجی صاحب موصوف که او میش داشت^۷ شیری که صبح داد آن را در خدمت حضرت میان صاحب و همرا همیان ایشان تقدیم نمود و شیری که شبی

داد' آنرا خمیر کرد و ماست ساخت' چون صبح دیگر زوجه معترمه حاجی صاحب موصوف این ماست را مالید' از آن همین قدر کره (مکهن) گرفت که قبلاً" از شیر دو وقت می گرفت. این حقیقت را در خدمت شوهر خود (حاجی صاحب موصوف) ذکر نمود حاجی صاحب موصوف برای امتحان کردن کره (مکهن) را وزن نمود' واقعاً همان قدر بود که قبلاً" می بود صاحب خزینه معرفت می گوید که حاجی صاحب موصوف بعده" نیز این تذکره پیش بنده بارها کرد و باز در شرقپور تشریف برد و احوال حضرت میان صاحب را دید و شادمان گشت و گفت "احوال که در اینجا دیده ام" درجای ندیده ام)

تأثیر نگاه مبارک: بگفته صوفی محمد ابراهیم قصوی صاحب، بازی حضرت میان صاحب در فیروزپور تشریف برد درخانه ای که قیام فرمود' در آن یک حافظ قرآن که نابینا بود' در خدمت "حضرت میان صاحب" رسید، "حضرت میان صاحب" به این حافظ قرآن فرمود که رکوع از قرآن مجید تلاوت گنید. حافظ صاحب موصوف یک رکوع قرآن کریم تلاوت کرد سپس این حافظ به صاحب خزینه معرفت گفت که: — "من زبان عربی را نمی فهمم، ولی رکوعی که در خدمت حضرت میان صاحب تلاوت نمودم' از برکت حضرت صاحب، معنی مرآیت را فهمیده ام"

محبت با پیر خانه خود: بعد از آن حضرت میان صاحب به "فیروزپور چهاؤنی" تشریف برد و در خانه حافظ عبدالله قیام کرد کسی گفت که اینجا حافظ قرآن نابینا می باشد که از پیشوایان حضرت امام علی صاحب است. چون حضرت میان صاحب این شنید' در مسجدی که آن حافظ صاحب می بود' تشریف برد و یک ساعت آنجا اقامت فرمود سپس فرمود که — "مرا حظی نصیب گشت که گویا در خدمت حضرت اعلی صاحب نشسته

-۱۴-

این نیز گویا محبت با پیر خانه خود بود که کسی که از پیشینان شیخ و مرشد ایشان بود، از صحبت او حظی می‌یافت.

فنای اتم (فنای کامل): باری در لاهور تشریف برد، در دست عصایی داشت. چون در "شاه عالم" رسید، در جوش آمد و بر عصا فشار داده فرموده که این خانه ها کی فنامی شوند؟ سه بار به صدای بلند همین طور فرمود، صاحب خزینه معرفت می‌گوید که بنده را فکر دامنگیر شد که صاحب خانه ها پریشان گشته چیزی نگویند، شکر است که کسی چیزی نگفت. **فراست صادق:** باری در قصور تشریف آورد، از بازار می‌رفتند، در جایی کوکان چند بازی می‌گردند. چون دید، فرمود: این کوکان که بازی می‌گند، استعدادی در ایشان موجود است که اگر کوشش کرده شود ازین ها حفاظ قرآن کریم، اولیای کرام و عالمان دین بیرون می‌آیند. افسوس که استعداد ایشان رائیگان می‌گردد.

سپس بزرگی را از تذكرة الاولیاء یاد فرمود و گفت: "این بزرگ چون کوکان را در بازی معومی دید، همین طور تاسف می‌خورد".

چون قصور تشریف می‌آورد، اکثر بوسیله ترین (ثرین) شب می‌آمد و عقیل‌تمدان را می‌فرمود که تردد نان تازه نگند، در خانه های شما اکثر برای بچگان پاره ہای نان می‌باشد، پرچه خواه نان نصف باشد، بیارید فرمود: من چون به لاهور می‌روم، از بازار گلچه ای (نانی) می‌خرم و همون برای همه روز برایم کافی می‌شود چون کم خورده قناعت کرده شود، وقت می‌گذرد.

باب چهارم

کشف و کرامات

کشف و کرامات از اولیای کرام و صوفیان عظام مواره ظاهر می‌گردد و این علامت و خاصه بزرگی و کرامات ایشان می‌باشد از حضرت میان شیرازی قلم سره کشف و کرامات بیشمار ظهور یافته ما اینجا منشی از خرواری برای تمثیل و نمونه نقل می‌کنیم.

از ماری که در دلو بوده آگاه شد: شبی حضرت میان شیرازی برسقف مسجد در نماز نفر مشغول بود کسی آمد و خواست که از چاه مسجد آب بگیرد چون او دلو را در چاه انداخت، حضرت میان صاحب از سقف مسجد پائین تشریف آورد و از دور این کس را صدا داد که صبر کنید سپس فرمود که اول از درون مسجد چراغ روشن را بیارید، باز دلو را از چاه بیرون آرید.

شخص دیگر نیز صدای حضرت میان صاحب را شنیده در مسجد وارد گشت و دویله چراغ روشن را از مسجد بیرون آورد حضرت میان صاحب فرمود: "اگذون دلو را بیرون آرید" - چون دلو بیرون آورده و بر زمین گذاشتند، حضرت میان صاحب چراغ را نزد دلو گرف چون مردو کس در نور چراغ در دلونگاه گرفند ترسیلند و پس گشیدند در دلو ماری بود که آنان دیله بودند هر دو نفر این مار را گشتند و سپس از حضرت میان صاحب پرسیلند که حضرت شما برسقف مسجد بودید، چه طور فهمیدید که در دلو ماری است؟ حضرت صاحب تبسم نموده فرمود: "اوراکه من پرستیم" همون مارا ازین چیزها آگاه می‌سازد" -

کرامت دیگر: باری در مسجد خود که تازه تعمیر گشته بود، حضرت

میان شیرربانی قدس سره تشریف فرما بود به حاجی عبدالرحمن خطاب کرده پرسید که چیزی دیده اید؟ او لینور و آنور نگاه کرده گفت: "نه حضور چیزی ندیدم". فرمود: "الآن خواهی دید".

وقتی نگذشت که حاجی صاحب موصوف گفت: "حضرت صاحب الان دیدم" فرمود: "چه؟" گفت: "اینکه حضرت امام علی شاه صاحب رحمته اللہ علیہ تشریف آورده اند". سبعان اللہ

کرامت دیگر: روزی حضرت میان شیرربانی قدس سره فرمود که من به موضع "اثاری" می رفتم که در راه طوفانی آمد باران و برف باریden آغاز نمود چون طوفان خیلی شدت اختیار کرد درختان از زمین بیرون آمده می افتادند خیال کردم که از خیابان جدا شوم الهم شد که بر خیابان بروید لذا درباران و برف و طوفان برخیابان راه می رفتم حتی که به امن و سلامتی در ده "اثاری" رسیدم مردم بر رسیدن من با امن و سلامتی حیران گشتند زیرا که خیابان پر از درختان می بود که درین طوفان افتاده بودند سبعان اللہ خداوند بندگان خویش را از هر بلا و مصیبت محفوظ و مامون می دارد.

نو مولودی خاموش گشت: روایتی است که در شرقپور شریف در خانه ای نومولودی بود که همواره گریدر می کرد پدر و مادرش درمان این کردند ولی اتفاقه اش نشد چون ناچار گشتند در حضور حضرت میان شیرربانی قدس سره آوردند.

نو مولود داشت می گریست حضرت صاحب سوی او نگاه کرده فرمود: "اش کمی ای اوئی سانوں تیه رون دا ول اج تک نهیں آیا توں تیه هر وقت رونا این" - یعنی "ای پسرگ تو عجیب هستی که ما تاکنون طرز گریستن نیاموختیم و توهنه وقت گریه می گنی" - بس همین فرمود که نومولود خاموش گشتند وقتیکه از روزی تولدش داشت گریه می کرد

اعتراف کشفی: حضرت میان شیرربانی قدس سره سوال کسی را رد نمی

فرمود حاجتمندی ازین حال آگاه شد و برای کمک مالی نزد حضرت میان صاحب آمد و پهون در شرقپور شریف وارد شد، خیال کرد که اگر خودم را پیش میان صاحب "سینو" ظاهر خواهم کرد، حتماً ایشان توجه زیاد برای کمک خواهد کرد.

"لذا چون در حضور حضرت میان شیرربانی قلس سره آمد، گفت که: "حضرت سید هستم و پیش شما آمده ام که کمک مالی من بفرمائید"."

حضرت میان صاحب کمک مالی او فرمود و حسب معمول ایشان برای خدا حافظی همراه این حاجت مند تشریف برد. چون از شرقپور شریف بیرون شد، حضرت میان صاحب به او فرمود: " بشنو، همین جاست د" در دل شما خیال "سید" شدن پیدا گردیده بود، لذا عزت و توقیر شما تا همین جاست، الان پس من گردم"."

خیر است یا نیست؟: روایتی است که باری کسی از حضرت میان شیرربانی قلس سره احوال پرسی کردو گفت: "میان صاحب خیر است؟"

حضرت میان شیرربانی قلس سره فرمود: "برادر جان، اگر اعمال نامه در دست راست داده شد، خیر است ورنه نه؟"

کسر نفسی و انکسار: معروف است که با وجود این رعب و جلال عالم کسر نفسی و انکسار حضرت میان صاحب این بود که هرگز نمی پستنید که کسی به کشف مبارکش دست بزنند. اگر کسی در عالم نادانستگی پاپوش مبارک حضرت را برداشته پیش ایشان من گذاشت، حضرت صاحب من فرمود که این کشف راشما ببرید، من لائق این نیستم که کسی پاپوش را پیش من بگذارد اگرچه این کار برای بزرگان کردن روا است ولی من نه بزرگ "بستم و نه ولی لذا برای من این طور نگذند"."

اگر حضرت میان شیرربانی قلس سره بر رختخواب نشسته بی بود و کسی برای تعظیم پیش ایشان بر زمین من نشست، حضرت صاحب اورا بر

رختخواب نشستن مجبور می کرد و اگر آن کس از' به برابر حضرت صاحب"
 نشستن می ترسید' حضرت صاحب" همراه او بر زمین می نشست و آن کس
 شرمnde گشته بر رختخواب می نشست.

سفردار بقا و جانشین

چون عمر مبارک حضرت میان شیرربانی شست و سه سال شد، ضعف پیری ظاهر گشت. باز هم نماز پنجگانه با جماعت ادا می فرمود. بعلت ضعف فقط خطبه جمعه می داد و امامت نماز جمعه می فرمود. هر روز در ضعف جسمانی اختلاف می شد حتی که مریض گشت.

عزیزان و عقیدتمندان حضرت میان صاحب ایشان را برای درمانش به سری نگر (کشمیر مقبوضه) بروند. بعد از چهار روز حضرت میان صاحب فرمود که مرا خانه ببرید لذا حضرت میان صاحب را از سری نگر براه راولپنڈی در لامور آور دند و اینجا علاج و معالجه جاری شد.

اگرچه در دوز های بیماری معمولات حضرت میان صاحب متفرق گشته بود ولی در عبادت و یادالله هیچ کمی واقع نگردیده بود.

روزی از همین روز ها حضرت میان شیرربانی برادر خود حضرت میان غلام اللہ قدس سره را صنا فرمود و آنوقت حضرت نورالحسن شاه و بابا عبدالله فیروزپوری در خدمت اقدس حضرت میان شیرربانی قدس سره موجود بودند، پیش ایشان حضرت میان صاحب به برادر خرد خویش فرمود: مرد مانیکه بر خانقه و درگاه من می آیند، در خدمت ایشان کوتاهی نکنید و اقامت نماز جمعه خود شما کیند. بدانید که صراط مستقیم فقط در اتباع سنت نبوی (صلی الله علیه و آله و سلم) است.

سپس در خانه خود تشریف برف باشمه عزیزان و افراد خانواده شفت و محبت ورزید وسلام گفت و خدا حافظی نمود و فرمود: "اکنون می خواهم که در "ذوہیران والا" (نام گورستانی) که در آن حضرت صاحب ملفوظ

کشت) بروم!"

گویا این اظهار به اشاره غیبی بود که "من رفتنی ام بسوی خداوند بزرگ و بعد از من عقیل‌تمندان و مرید‌انم را حضرت غلام اللہ قدم سره در طی منازل عرفان و سلوک کمک و یاری و زینهای خواهد کرد و وی جانشین و خلیفه مجاز من خواهد بود"

بالآخر روز دوشنبه ۲ ربیع الاول در سال ۱۳۳۷ هـ بمعابق ۲۰ اوت ۱۹۵۸ م در حین تلاوت سوره اخلاص بعد از نماز عشاء، قریب یازده و نیم شب، به عمر مبارک شصت و پنج سالگی، این آفتاب روحانی از عالم فانی به عالم جاودانی رحلت فرمود و واصل بحق گشت. "اَنَّ اللَّهَ وَ اَنَاٰ لِي رَاجِعُونَ".

خدارحمت کند این عاشقان پاک طینت را

قطعه تاریخ رحلت حضرت میان شیرربانی قدس سره

چو مولانی قبله شرقپوری

ز دنیا شد روان با کام و آرام

"وصال شیر حق شیر محمد" (۱۳۳۷ هـ) شده سال و صالحش ای نکونام روز دیگر بوقت ساعت شش شام جنازه حضرت میان شیر محمد شیرربانی قدس سره در گورستان "دوهران والا" رسید و حضرت صاحبزاده مظہر قیوم رحمة اللہ علیہ امامت نماز جنازه ایشان کرد و در حضور هزاران سوکوار و عقیل‌تمند، حضرت شیرربانی را در گورستان "دوهران والا" دفن کردند و مزار مهیمن و بابرگت و پر انوار ایشان بین جا مرجع الغلائق است.

جانشین حضرت میان شیرربانی شرقپوری: حضرت میان شیرربانی قدس سره برادر خرد ایشان حضرت میان غلام اللہ قدس سره گشت که ملقب به "حضرت ثانی لاثانی" شد.

خدمات دین

فصل اول در تعمیر مساجد

حضرت میان شیر ربانی شرقپوری قلس سره برای اتباع سنت و فروغ دین اسلام خدمات بیمثال و یگانه‌ای انجام دادو در تعمیر نمودن مساجد برای عقیدتمندانش نمونه قابل تقلید و پیروی باقی گذاشت و نه فقط مساجد نو تعمیر فرمود بلکه مساجد قدیم را از سر نو تعمیر و مرمت فرمود و بمقابل سنت انبیا علیهم الصلوٰۃ والسلام در کارهای تعمیراتی و مرمتی مساجد بنفس نفسیس شرکت فرمود و مثل مزدوران کارمنی کرد و با این عمل مبارکش ذوق و شوق خاصه به عقیدتمندان و مریدان خود عطا کرده است که نظیر آن یافته نمی شود مساجد یکه در روزگار حضرت میان شیر ربانی تعمیر گشت قرار زیر اند:-

(۱) در " محله بنی پوره شرقپور شریف" مسلحی بودکه در روزگار حضرت میان صاحب از آن فقط نشانی بود و آن نیز غیر محفوظ بود حضرت میان صاحب این مسجد را با خطوط قدیم از سر نو تعمیر فرمود و در نزد این خانه ای برای پیش امام نیز تعمیر ساخت و نزد آن چاهنگی کند و غسلخانه و طهارت خانه ها نیز بنا فرمود

بیخته صاحب خزینه معرفت: "حضرت میان صاحب قلس سره در تعمیر این مسجد خود سهیم بود و ستون های مسجد را با همکاری مردمان به کار گذاشت. اینجا شجری را از زمین گندیدند و حضرت میان صاحب در چاله که از گندن این شجر پیدا شده بود، تشریف برد و خاک از آنجا برداشت و آنرا بتوئید و فرمود که: "در این نیز بوبی انگلیسی من آید".

(۲) مسجدی دیگر در گورستان ڏوهران واله" تعمیر فرمود که ازین قبرستان در جنوب مغرب شرقپور واقع است. این مسجد دارای دو اطاق و یک چاه و غسلخانه ها و حجره و برآمده من باشد. برای آباد کردن این مسجد درویش را آنجا گذاشت که بگفتنه صاحب خزینه معرفت تاکنون آنجا موجود است و این درویش در راه مسجد گل و بوته گاشته است و خدمتی خوب خانه خدا من کنند در وقت تعمیر مسجد معلوم من شد که گویا نزد قبر مبارک خود این مسجد ساخته است و بعداً همین طور شد که پس از وفات همین جامدفون گشتند روز های که این مسجد را تعمیر من فرمود عقیدتمندان و مریدان من گفتند که حضرت این جای ست غیر آباد و ویران و هیچ کس اینجا نمی آید لذا اینقدر مسجد عالیشان تعمیر کردن چه فائدی دارد فرمود: "میخ چون مردی خداوند خواهد مرد این مسجد آباد خواهد شد".

چون حضرت میان شیربانی قدس سره رحلت بعث فرمود و در همین گورستان نزد مسجد معو استراحت گشت از همون روز نماز پنجگانه در این مسجد شروع شد و تاکنون ارادتمندان حضرت میان صاحب شب و روز درین مسجد در عبادت و ریاضت مشغول باشند.

(۳) مسجدی دیگر در محله شیربانی در شرقپور تعمیر نموده که در طرز خاص و عمله تعمیر شده بود.

(۴) مسجدی دیگر در پیرخانه خود (در قریه گوشه شریف) تعمیر گردید این مسجد دارای سه اطاق و ایوانی وسیع من باشد.

(۵) مسجدی نیز در چاه خود تعمیر فرموده بود.

(۶) مسجدی دیگر در گوچه "نهنل پوره" که جانب راست شرقپور شریف من باشد ساخته بود و این مسجدی گوچه گوچه همراه تاچاهی

(۷) مسجدی سنت در میانه شهر شرقپور شریف که در روزگار حضرت

میان شیربانی قدم سره همین بزرگترین مسجد بود درین مسجد حضرت
مولانا غلام رسول رحمته اللہ علیہ که جد بزرگوار حضرت میان صاحب بود
امامت من کرد چون در عهد حضرت میان صاحب[ؒ] مردم از راه های دور و دراز
در شرقپور شریف من آمدند لذا روز جمعه این مسجد برای مردم تنگ من شد
حضرت میان صاحب[ؒ] عزم وسیع نمودن این مسجد کرد و خانه های چند که
نزد این مسجد بود[ؒ] را در (۳۲۰ھ) شامل مسجد فرمود و صحن و مسجد
راکشاده نمود و برخی حجره و اطاقهای تازه نیز تعمیر فرمود که تاکنون
در همین صورت موجود اند و در آن روزگار مبلغ (۲۵) هزار روپیه بر تعمیر
حجره و غسلخانه و جای وضو و طهارت خانه های تازه و اضافی مصرف شد

(۸) علاوه ازین در مکان شریف روضه مبارک حضرت امام علی صاحب
رحمته اللہ علیہ را مرمت نمود باری در مکان شریف تشریف آورد و دید که
قبه روضه مبارک حضرت امام علی صاحب[ؒ] در زلزله آسیب دیده است[ؒ] برای
مرمت این قبه عزم فرمود و حافظ محمد عبداللہ صاحب مقیم چهاوئنی
فیروزپور و کرم الدین نجار صاحب[ؒ] مقیم شرقپور شریف و فتح محمد خان
مقیم گورو هرسهای و نفری دیگر را برای مرمت این روضه مبارک فرستاد و
تقرباً هزار و سه صد روپیه برای این مرمت مصرف شد

(۹) نشتگاهی در مکان شریف ساختند که آن دو اطاق و ایوان خوب
داشت و نشتگاهی دیگر ساختن من خواستند که تکمیل آن نشد
مسجدی که حضرت میان شیربانی قدم سره در روزگار خود تعمیر
فرمود[ؒ] در آن ها هیچ سامان ولو ازم تعمیراتی ساخته دست انگلیسی ها و یا
در کارخانه انگلیسی ها را مرکب استعمال نکرد و اگر کسی این طور
چیزی را من آورد حضرت صاحب[ؒ] ناراحت من گشت و آن را قبول نمی فرمود
وازین معلوم من شود که مقام تقوی حضرت میان صاحب[ؒ] چقدر بلند بود؟
حضرت میان شیربانی[ؒ] مسلسله تعمیر مساجد را که شروع فرموده بود

تاکنون جاری و ساری است و آن صورت تعریف کی اختیار نموده است. مریدان و عقیلین مدنان حضرت میان صاحب[ؐ] همواره برای سهم گرفتن در این کار خیر مشتاق و بیتاب من باشند. بعد از وصال مبارک حضرت میان صاحب[ؐ] خلیفه مجاز ایشان حضرت ثانی لاثانی میان غلام اللہ قدس سرہ نیز در تعمیر مساجد سهم من گرفت. و سجاده نشین فعلی آستانه عالیه نقشبندیه مجددیه شرقپور شریف حضرت صاحبزاده میان جمیل احمد شرقپوری مدظله العالی این روش عالی مرشدان بلند مرتبه خودرا تاکنون زنده و تابنده دارد و مساجد تعمیر من فرماید و فریضه تبلیغ و نشر اسلام انجام من دهد. مساجدیکه در شهر های گونا گون پاکستان به نام نام حضرت میان شیر محمد شیرربانی قلس سره منسوب شده تعمیر گشته است و شب و روز برای احیا و نشر اسلام و شریعت مطهره در آنها کلمه حق بلند من گردد، قرار زیر است:

- ۱ - جامع مسجد شیرربانی " محله شیرربانی " شرقپور شریف.
- ۲ - جامع مسجد مدینه شیرربانی " عقب سول ہسپیتال " شرقپور شریف.
- ۳ - جامع مسجد شیرربانی " اکبر روڈ " وسن پورہ لاہور.
- ۴ - جامع مسجد شیرربانی " سنگھ پورہ " نزد باغبانپورہ لاہور.
- ۵ - جامع مسجد قادریه شیرربانی " ۲۱ - ایکڑ سکیم " نیو مزنگ سمن آباد لاہور.
- ۶ - جامع مسجد شیرربانی " سانده کلان " لاہور.
- ۷ - جامع مسجد غوثیه شیرربانی " چونگی امر سدهو " لاہور.
- ۸ - جامع مسجد شیرربانی " شاهدره ٹاؤن " لاہور.
- ۹ - جامع مسجد شیرربانی " گنبدی نزد کھر زیانوالہ " ضلع فیصل آباد.
- ۱۰ - جامع مسجد شیرربانی " محله منیر آباد " گلزار کالونی " فیصل آباد
- ۱۱ - جامع مسجد شیرربانی " سلطان ٹاؤن " فیصل آباد
- ۱۲ - جامع مسجد شیرربانی " چک نمبر ۲۲۰ " ضلع وہاڑی.

- ۱۳ - جامع مسجد شیرربانی، فیصل آباد
- ۱۴ - جامع مسجد شیرربانی، نزد چونگی نمبر ۹ خانیوال روڈ، ملتان۔
- ۱۵ - جامع مسجد شیرربانی، ڪرہ ڪوزا، تھصیل ٹانک، ضلع فیروز اسماعیل خان۔
- ۱۶ - جامع مسجد شیرربانی، پھالیہ، ضلع گجرات۔
- ۱۷ - جامع مسجد شیرربانی، چک نزد لیاقت پور، ضلع رحیم یار خان۔
- ۱۸ - جامع مسجد شیرربانی، چک، تھصیل یزمان، نزد اڈہ تیرہ هزاری۔
- ۱۹ - جامع مسجد شیرربانی، گیائیں گجران، ضلع کوٹلی، آزاد کشمیر۔
- ۲۰ - جامع مسجد شیرربانی، سیکندر ایف۔ ۹، اسلام آباد
- ۲۱ - جامع مسجد شیرربانی، الامین پلازہ، صدر، راولپنڈی۔
- ۲۲ - جامع مسجد شیرربانی، عقب گورا قبرستان، نزد ملٹری ہسپتال (سی ایم ایچ)، راولپنڈی۔
- ۲۳ - جامع مسجد شیرربانی، قلعہ سوجان سنگھ، نزد خانقاہ ڏوگران، ضلع شیخوپورہ۔
- ۲۴ - جامع مسجد شیرربانی، جہبڑ، ضلع شیخوپورہ۔
- ۲۵ - جامع مسجد شیرربانی، محلہ رسول پور، شیخوپورہ۔
- ۲۶ - جامع مسجد شیرربانی، اڈہ شیر پاک، صادق آباد
- ۲۷ - جامع مسجد شیرربانی، سمندری، ضلع فیصل آباد

فصل دوھ: در نشر و اشاعت دین و معارف اسلامی به صورت کتب

حضرت میان شیرربانی قلس سره عارف کامل بودکه بازبان و گفتار مبارک خود دل مردم را مستحرمنی نمود علاوه از خطابت جمعته المبارک که در مسجد خود من فرمود همواره در سفر و حضر تبلیغ و ارشاد به طالبان حق من فرمود علاوه ازین کتب نادره معارف اسلامی و سلسله عالیه نقشبندیه مجلد یه وغیره چاپ و نشر من کرد و میان ارادتمندان و طالبان حق و مردم خوانده مجانية تقسیم من فرمود از آنها چند تا قرار زیر اند:-

- ۱ - **مراة المحققین : ملفوظات حاجی الحرمین الشریفین :**
 تالیف حضرت ابوالبرکات امام علی شاه نقشبندی مکان شریفی (م ۱۲۸۲ھ) بزبان فارسی در احوال و تعلیمات و گفتار حضرت سید شاه حسین نقشبندی (م ۱۲۳۳ھ) که مرشد حضرت امام علی شاه نقشبندی رحمته اللہ علیہ بود بخواهش حضرت میان شیرربانی قلس سره مولوی غلام رسول نقشبندی این کتاب را بزبان اردو ترجمه کرد و حضرت میان صاحب این را طبع فرمود سروق این کتاب (دو صفحه در آغاز) بدست خود خطاطی فرمود و این نمونه عالی خوشنویسی حضرت میان صاحب من باشد در آغاز این کتاب نظمی از مترجم من بودکه از ترتیب حروف های آغاز هریقت نامی گرامی حضرت میان صاحب : "مولوی شیر محمد" بر من آید این کتاب در دو حصه من باشد حصه اول- حالات حضرت شاه حسین المعروف "بهورے والا" و در حصه دوم "کلمات متبرکه" زیر عنوان "مراة المحققین" درج است از جانب مطبع کریم لاهور با همتام میر امیر بخش چاپ گردیده است
- ۲ - **"منهاج السلوک"** ترجمه اردو "ذخیره الملوك" : "ذخیره

الملوک" بزیان فارسی نگارش "امیر کبیر سید علی همانی" می باشد "مولوی غلام قادر" از مردم "کوٹ بہوانی" که از متولیین "حضرت الله بخش تونسوی رحمته الله عليه" بود، بعیثیت مدرس در شرقپور شریف آمد و ارادت و عقیدت خاصه به حضرت میان صاحب قلسن سره العزیز پیدا کرد او این کتاب را بفرمائش حضرت میان صاحب بزیان اردو ترجمه نمود و این در سال (۱۳۲۲ھ) چاپ گردید این کتاب دارای (۲۲) صفحات بود و در آغاز این مترجم دو منظومه شامل گردکه اکثر نخستین حرف هربیت بیرون آورده شود، از آن "مولوی شیر محمد شرقپوری" جمع من شود مترجم این کارکرده زیرا که حضرت میران صاحب قلسن سره نمی پستنید که اسم ایشان در کتاب منکور گردد

بغضتہ محمد امین شرقپوری صاحب "تذکرہ اولیائی نقشبند" این کتاب را مولوی غلام رسول نقشبندی رحمته الله عليه بفرمان حضرت میان صاحب قلسن سره العزیز بزیان اردو ترجمه گرد و در ضغامت قریب (۲۲۵) صفحات طبع گردید و در آغازش دو نظم از مترجم است که از ترتیب حرف آغاز هربیتی نام گرامی حضرت میان شیرربانی برمن آید۔

۳ - "مجالس المحسنين" ترجمه اردو "حکایات الصالحین" :
کتاب اصل بزیان عربی بود و ترجمه اردوی آن مشتمل بر ۹۰۰ صفحات است که حضرت میان شیرربانی قلسن سره العزیز آن را طبع فرمود و خوشنویسی این کتاب "سید نورالحسن شاه صاحب" گرده بود

۴ - "ربع مع مطالب" : تالیف "حضرت بابا امیر الدین نقشبندی قلسن سره" (مرشد پاک حضرت میان صاحب) این را نیز حضرت میان صاحب طبع فرمود

۵ - "چشمہ فیض معرفت" : رساله ای سنت مختصر بزیان پنجابی از حضرت خواجہ بابا امیر الدین نقشبندی" که در مناقب مرشد خود حضرت

خواجہ امام علی شاه قدس سرہ "مزوده استد

۶- تفسیر مرادیه: فقط حصہ آخرین این همراه "ربع مطالب" طبع شده بود و درین علاوه از "تفسیر قرآن" ارشادات حضرت میان شیرربانی قدس سرہ نیز درج است

علاوه ازین حضرت میان شیرربانی قدس سرہ کتاب های تفسیر و حدیث و فقه و اوراد و وظایف وغیره من خرید و میان طالبان حق و اراد تمندان خویش مجانی تقسیم می فرمود و این عمل خاصه اولیای کرام سلسله عالیه نقشبندیه مجددیه من باشد که ایشان همواره بوسیله تعریر و تقریر یعنی در هر دو میدان خدمات عالیه دین اسلام انجام می دهند. این کار از خواجہ بزرگ ما حضرت خواجہ بهاء اللہین نقشبند قدس سرہ شروع شد و تاکنون در همه عالم در خانقاه های این سلسله پاک جاری و ساری است

در شرقپور شریف شمع علم دین و عرفان و تصوف که از دست مبارک حضرت شیرربانی قدس سرہ روشن گردیده بود آن را خلفاء باصفا و باکمال ایشان همواره سر بلند می گردد اند

سجاده نشین آستانه عالیه نقشبندیه مجددیه شرقپور شریف حضرت صاحبزاده میان جمیل احمد شرقپوری مدظله العالی در نشر و اشاعت و چاپ کتاب عزم عالی و بلند دارد ایشان همواره کتب عرفانی و معارف اسلامی چاپ و نشر می کنند و در طالبان حق و اراد تمندان سلسله نقشبندیه و تشنگان علم و دانش مجانی تقسیم می فرمایند تاکنون کتابهای زیر از "مکتبه نور اسلام" شرقپور شریف (که بنیاد آن حضرت میان جمیل احمد صاحب مدظله العالی گذاشته است) چاپ و نشر گردیده است:

۱- خزینه معرفت (اردو): تصنیف صوفی محمد ابراهیم نقشبندی در احوال و آثار و فرمودات حضرت میان شیرربانی قدس سرہ چند بار چاپ شده

است

- ۲۔ حضرت مجدد اور ان کیے ناقدین اردو : تصنیف حضرت مولانا ابوالحسن زید فاروقی رحمته اللہ علیہ در احوال و مقامات حضرت مجدد الف ثانی شیخ احمد فاروقی سرهنگی قدم سره و رد ناقدین ایشان بار اول در هند چاپ شده بود
- ۳۔ المتنبغات من المكتوبات (عربی) : مرتبہ حسین حلمی البیشیق بن سعید استانبولی بار اول در استانبول از سوی مکتبہ اشیق چاپ گردیده بود
- ۴۔ سرهنگ شریف : (تلغیص از کتابچہ المتنبغات من المکتوبات)
- ۵۔ تتمہ معراج النبوة (فارسی) : حضرت ملا معین الدین واعظ کاشفی مروی
- ۶۔ دی نقشبندیز (بزبان انگلیسی) : مرتبہ سردار علی احمد خان
- ۷۔ مرآۃ المحققین (اردو) : تالیف قطب عالم حضرت سید امام علی شاه نقشبندی مکان شریفی رحمته اللہ علیہ مترجم اردو : مولوی غلام رسول
- ۸۔ نعمتیہ قصیدہ : حضرت امام اعظم ابو حنیفہ رحمته اللہ علیہ
- ۹۔ تائید اهل سنت : (متن و ترجمہ اردوی رسالہ رد روافض تصنیف حضرت مجدد الف ثانی شیخ احمد فاروقی سرهنگی قدم سره) مترجم و مصحح (متن فارسی) : دکتر غلام مصطفی خان نقشبندی سنی مدظلہ
- ۱۰۔ مختصر حالات حضرت شیرربانی و حضرت ثانی لاثانی میان غلام اللہ شرقپوری (اردو) : تصنیف حضرت صاحبزادہ میان جمیل احمد شرقپوری مدظلہ العالم
- ۱۱۔ فضایل حضرت عائشہ صدیقہ رضی اللہ تعالیٰ عنہا (اردو) : از مولانا منصب علی شرقپوری
- ۱۲۔ منیتہ المصلى :
- ۱۳۔ نظام مصطفیٰ اور بماری زندگی : نظام مصطفیٰ و زندگانی ما

بزیان اردو)۔

۱۳ - ماهنامہ نوراسلام (اردو) : مجلہ ماہیانہ کے بیادگار حضرت ثانی لاثانی شہباز مکانی میان غلام اللہ شرقپوری قدس سرہ سجادہ نشین شیربانی میان شیر محمد شرقپوری قدس سرہ از سی و هشت سال از آستان عالیہ شرقپور شریف جاری است و مدیر این حضرت صاحبزادہ میان جمیل احمد شرقپور مدظلہ العالی است۔

۱۴ - ماهنامہ نوراسلام شرقپور شریف کا شیربانی (اردو) نمبر : مرتبہ حضرت صاحب میان جمیل احمد شرقپور مدظلہ العالی (شماره مخصوص مجلہ نوراسلام در احوال و مقامات حضرت شیربانی قدس سرہ)

۱۵ - ماهنامہ نور اسلام کا امام اعظم نمبر (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میان جمیل احمد شرقپور مدظلہ العالی (شماره مخصوص مجلہ نوراسلام در احوال و مناقب حضرت امام اعظم ابو حنیفہ رحمتہ اللہ علیہ)

۱۶ - ماهنامہ نوراسلام کا اولیائی نقشبند نبراء (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میان جمیل احمد شرقپور مدظلہ العالی (شماره مخصوص مجلہ نوراسلام در احوال و آثار و مناقب اولیائی نقشبند)

۱۷ - ماهنامہ نوراسلام کا مجدد الف ثانی (اردو) نمبر : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میان جمیل احمد شرقپور مدظلہ العالی (شماره مخصوص مجلہ نوراسلام در احوال و مناقب حضرت مجدد الف ثانی قدس سرہ)۔

۱۸ - فضائل حضرت سیدنا صدیق اکبر رضی اللہ تعالیٰ عنہ (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میان جمیل احمد شرقپور مدظلہ العالی۔

۱۹ - مختصر حالات امام ربانی مجدد الف ثانی رحمتہ اللہ علیہ (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میان جمیل احمد شرقپور مدظلہ العالی۔

۲۰ - ارشادات مجدد (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میان جمیل احمد

شرقيور مدخلہ العالی۔

- ۲۲۔ مسلک مجید (اردو - پشتو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقيور مدخلہ العالی۔
- ۲۳۔ مقالات یوم مجید (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقيور مدخلہ العالی۔
- ۲۴۔ الجنبۃ الشوقيہ الی الحضرة المجددیہ : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقيور مدخلہ العالی۔
- ۲۵۔ ملنی تاجدار کا تحفہ نماز (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقيور مدخلہ العالی۔
- ۲۶۔ مناسک حج (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقيور مدخلہ العالی۔
- ۲۷۔ صدائیح حق (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقيور مدخلہ العالی۔
- ۲۸۔ تنویر حرم (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقيور مدخلہ العالی۔
- ۲۹۔ آسان (اردو - عربی گرائمر) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقيور مدخلہ العالی۔
- ۳۰۔ لمحہ فکریہ (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقيور مدخلہ العالی۔
- ۳۱۔ شجرہ شریف (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقيور مدخلہ العالی۔
- ۳۲۔ تذکرہ احوال و مقامات زینۃ الاولیاء شیرربانی حضرت شیر محمد شرقيوری قدم سرہ (فارسی: تالیف محمد نذیر رانجھہ)۔

آیات دلگذار که حضرت شیربانی

قدس سرہ هی خواند

حضرت میاں شیربانی قدم سره شاعر نبود ولی در عالم وجود بزرگان
مبارک ایشان آیاتی جاری می شد که هر حرفی از آنها در عشق سرور کائنات
فندر موجودات خاتم النبیین حضرت محمد مصطفیٰ صلی اللہ علیہ وآلہ
وسلم لبریزمی بوده است. حضرت میاں صاحب راخیلی آیات عرفانی و نعمت
رسول مقبول علیہ الصلوٰۃ والسلام از دیوان های سخنوران عارف زبان فارسی و
اردو و پنجابی از بربود که وقت ارشاد و تبلیغ و موقع گونا گون می خواند.
ما برای نمونه مشتری از خرواری اینجا نقل می کنیم:-

همه انبیا در پناه تواند

تو مهر منیری همه اختر اند
تو سلطان ملکی همه چاکر اند

خدايا بدء شوق ذات رسول

شد و روز در عشق حضرت بنار
بدرد محمد مرا کن قبول

همه عمر در وصل احمد گزار

چو بلبل برآن گل فدایم کنی

چو پروانه جلوه نمایم کنی

حیاتی مماتی ممه وقت ما
عطای کن وصال محمد مرا

حمد محمودی که در جمله صور
شد بانوار محمد جلوه گر

زانکه از نورش محمد شد عیان
کشت از نور محمد دو جهان

حسن یوسف دم عیسیٰ پیغمبرنا داری
آنچه خوبان ممه دارند تو تنها داری
دل و جانم فلاحیت یا محمد
سر من خاکپایت یا محمد

عرش است کمین پایه ز ایوان محمد
جبرئیل امین خادم دربان محمد
آن ذات خداوندی که مخفی و نهان بود
پیدا و نهان کشته بچشمان محمد

منم خاک سرکوی محمد
اسیر حلقه موی محمد
نماز عشق هردم می گزارم
به پیش قبله روی محمد
سجود عشق بازان است هردم
بمحراب دو ابروی محمد

۴۱

اگر چشم به روی است مائش
بود روی دلم سوی محمد
جهان در خیال لیله القدر
حسن در بند گیسوی محمد
صد کتاب و صد ورق در نارکن
جان و دل را جانب دلدار کن

— ♦ —

ملفوظات گرامی

حضرت میان شیرزبانی قلس سره در محبت الهی و عشق مصطفی جلی
الله علیه وآلہ وسلم کاملاً مستفرق بود کلماتی که از زبان مبارک
ایشان جاری می شد، آنها همواره آئینه دار جنبات و احساسات ایشان می بود
حرفی از زبان مبارک بیرون نمی آورد که بر آن خودشان عمل نمی فرمود هر
چه بدیگران می فرمود، خودشان برآن کاملاً عمل می کرد ماینجا برای
تبرک از ملفوظات گرامی ایشان چند تائق می کنیم:-

فرمود :- دنیا مثل دریاست و آخرت گفاره آن و تقوی

کشتی آن باشد و بدون تقوی این دریا را عبور کردن معال
است، خوبی اسلام این است که مسلمان حرفهای "لایعنی"
(بی فائده) را ترک کنند ممکن خلقت دارای سه صفات

باشد:

- ۱ - فرشتگان عقل دارند مگر خواهش و غضب ندارند
- ۲ - حیوان خواهش و غضب دارند ولی از عقل عاری‌اند
- ۳ - انسان خواهش و غضب و عقل هر سه دارد ایکر انسان
خواهش و غضب را تابع عقل کنند، درجه بلند از فرشتگان
می یابند ولی چون عقل را تابع خواهش و غضب می کنند
از حیوان بدتر می شود انسان طلبگار لذت حیوانی و
خواهش نفسانی باشد ولی بقدر احتیاج مثل نمک در
طعام و تاوقتیکه شما کارهای بهتر نکنید، زندگی را

بهتر خیال نکنید.

فرمود : -

بندیخت آن باشدکه فکر آخرت نداشته باشد
و مبتلای لذت‌های دنیا می‌باشد دولتی راجمع کنید که
هراه شما (در آخرت) برود زیرا که مال و متعای دنیا با بدن
در دنیا خواهد ماند (یعنی فنا خواهد گردد). چون مرده
رابیینید، هر که خود را یاد کنید (یعنی فکر آخرت
کنید) و شریر آن است که شرکند و مفسان را افیت
دهد و هر که از طعام سیر می‌شود او همواره گرسنه می‌
ماند.

فرمود : -

هر که بامال تونگر شود، او همیشه درویش
باشد و هر که از مردم حاجت می‌طلبد، او معروف می‌ماند
و هر که در کار خود از خداوند یاری نمی‌خواهد او
خوار می‌گردد

فرمود : -

کس که در جوانی قدر و عظمت فرمان
خداوند نمی‌داند، خداوند در پیری اش، اورا خوار می‌سازد و
کس که فقط روزی را باصدقی دل در خدمت (خداوند)
صرف می‌کند، برکت آن روز به همه خلق می‌رسد.
بس چه حال کس خواهد بود که همه عمر در خدمت
(خداوند) می‌گذرد

فرمود : -

شش نفر بسبب شش چیز درجهنم خواهند
رسید:

- ۱- مردمان عرب بسبب تعصّب و عداوت
- ۲- مالداران ده به علمت تکبر-
- ۳- تاجر بسبب فریب کاری-
- ۴- مردم عامه به علمت جهل و نادانی-

۵ - حاکم به وجه خلمن و ستم

۶ - عالم به وجه حسد، زیرا که حسد نیکی هارا من

سوزاند و همچو کس مددگار حامد نمی باشد.

فرمود : - باید که پاکی ظاهر، موافق پاکی باطن باشد

یعنی چون دست را شوید، دل را از حب دنیا نیز پاک کنند

و چون استنجا کنند از نجاست ظاهری پاک نگردد،

همون وقت از دوستی غیر نجات یابند.

فرمود : - حماقت این است که اعتقاد دارد و عمل نکند

و کفر پنهان این باشد که خیال کنند که این سخن

اینطور نیست بلکه بر چیزی دیگر خواهد بود

فرمود : - حضرت علی مرتضی اسد اللہ الفالب مطلوب

کسر مطالب مظہر العجائب و الفرائیب کرم اللہ وجهه

چنان سخنان حکمت آموز بیان فرمود که تا آنجا فهم

کسی رسائی نیافته است

فرمود : - کسی که در حرفش نرسی باشد، در قلبش

ماده محبت حتماً خواهد بود و کسی که قدر نفس

خود را فهمیده است او مرگ ملاک نگردد

فرمود : - از هر که خواهی طلب کن و لی یقین این

داشته باش که تو در قید او (خداآوند) هستی، تو هر کرا

خواهی داد، امیر و حاکم او خواهی شد، تو از هر که

خواهی استفنا و بی نیازی کن، انجام کار مثل او خواهی

شد.

فرمود : - هر کس که بنیاد ایمانش بر این چهار اصول

باشد، ایمانش محکم و قوی شود و او مسلمان خالص شده

مقرب خاص بارگاه صهلانی و درگاه یزدانی من شود این
چهار اصول قرار زیر است:-

- (۱) تصدیق دل
- (۲) اقرار زبان
- (۳) عمل بدن
- (۴) مطابقت سنت

کسی که از این چهار اصول محروم باشد، او کافر است و کسی که با زبان اقرار کند و بادل تصدیق نکند، او منافق است و حال منافق از کافر بدتر باشد. کسی که بادل تصدیق کند و با زبان نیز اقرار کند مگر عمل نکند او فاسق است و فاسق براندازه قصورش در دوزخ خواهد رفت، کم از کم ساعتی و تا حد زیاد هفتاد سال. کسی که بادل تصدیق کند و بازبان اقرار کند و عمل نیز کند مگر در مطابعت سنت تغافل کند او بدعتی است و بدعتیان سکهای جهنم خواهند بود.

فرمود :- در حدیث شریف آمده است که مسلمانان بعد از اجتناب کردن از کفر، باید چشم و گوش و شکم و شرمگاه و دست و پا و دل و زبان را از گنامهای صفیره و کبیره باز دارند.

فرمود :- خصلتی بد را ترک نمودن از عبادت صد ساله افضل تر باشد.

فرمود :- اگر در ما سه خصلت باشد، خداوند مارا در حساب و کتاب آسانی خواهد داد و در جنت داخل خواهد کرد و آن چهار خصلت به قرار زیر است:-

- (۱) کسی که شمارا نمود، شما او را بنهید و او را معروف نگذارید.

(۲) کسی که برشما ظلم کند، شما او را درکنار و
معاف نکنید.

(۳) عزیزی و رشته داری که باشما قطع تعلق کند، شما با
او ملاقات داشته باشید و قطع تعلق با او نکنید.

فرمود : - ارشاد حضور نبی کریم صلی اللہ علیہ وآلہ
وسلم است که بزودی روزگاری خواهد آمد که فقط از
اسلام و قرآن نام باقی خواهد ماند و مساجد را مسلمانان آباد
خواهند کرد مگر در حقیقت اینها از هنایت خالی
خواهند بود و عالمان آن روزگار شریر ترین افراد روی زمین
خواهند بود و آغاز فتنه و فساد از سوی ایشان خواهد شد و
اختتام این بر ایشان خواهد شد.

فرمود : - در حدیث حضور صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم
آمده است که بزودی روزگاری خواهد آمد که مردم در
دامهای شکم گرفتار خواهند شد بزرگی ایشان در دنیا از
لحاظ دولت خواهد بود و قبله ایشان زنان خواهند بود و
مطلوب ایشان سیم و زر خواهد بود و این کسان در بندگان
خداوند از همه بزرگ ترین (خيال گرده) خواهند بود، در
حالیکه نزد خداوند وقتی نخواهند داشت و این
روزگاری خواهد بود که مردم دین را تمام خواهند گرد و
اجrai بدعتها خواهند گرد کسی که در این وقت بر
ست من عمل خواهد گرد او بیچاره تنها خواهد ماند و
کسی که پیروی بدععت خواهد گرد مصاحبتش از
پنجاه شصت زیاد تر خواهد داشت صحابه کرام رضوان
الله علیهم اجمعین عرض نمودند: "یار رسول اللہ صلی اللہ

علیه وآلہ وسلم آیا بعد از ماکمی از ما افضل تر خواهد بود". حضور صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود: "بلی" صحابه کرام التماس کردنکے پارسول اللہ این مرد مان چطور زندگی خواهند کرد آنحضرور فرمود: طوری کے نمک در آب حل می شود، اینطور دلہای الیشان حل خواهند شد و زندگانی الیشان طوری خواهد بود که جامہ های سرکه در سرکه بسرمی برند". سپس صحابه کرام عرض نمودند: "پارسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم آن مرد مان حفاظت دین چطور خواهند کرد؟". آنحضرور فرمود: "طوری کے شما حفاظت آتشدان می کنید که اگر بگنارید، آن سرد می شود و اگر آن را دست زنید، بسو زاند".

فرمود: - حضرت ابن عمر رضی اللہ عنہما فرمودکه اگر شما نماز خواننده مثل کمان خمدار شوید و روزه دارنده مانند تیر لاغر شوید، خداوند عملهای شمارا قبول نخواهد کرد تا از حرام باز نہ مانید.

فرمود: - نیز حضرت ابن عباس رضی اللہ تعالیٰ عنہم فرمودکه خداوند نماز او هر گز قبول نمی کنندکه در شکمش حرام باشد.

فرمود: - نیز حضرت سهل تستری فرمودکه بنده در عمق ایمان نمی رسدم تا وقتیکه چهار خود را پیدا نشود:-

(۱) ادائیگی فرضها (با سن)

(۲) خوردن حلال (با پرهیز)

(۳) ظاهر و باطن را از منکرات محفوظ داشتن

(۲) بر این امور تا مرگ قائم بودن.

فرمود :-

آمده است که هر که چهل روز مال مشبه
بنورد' دلش سیاه من گردد و بعفته حضرت عبدالله بن
مبارک رحمته الله که درمی مشبه را باز گردانند نزد
من از یک تا شصت میلیون درم خیرات کردن بهتر است'
فرمود که چون کسی از مال مشبه لقمه ای بنورد' ازین
قلبش اینقدر مثل چرم خراب من شود که بحالت اصلی
مرگز برنمی گردد

واردات قلب

پاره‌ای از واردات قلبی حضرت شیربانی میان شیر محمد شرقپوری قدم سره را ملاحظه بفرمائید:

باری فرمودکه چون راه من روم از پائین تا بالا در بد نم حرکتی پیدا من گردد که همه بد نم را مثل دل من بینم و از هر موی بد نم اسم ذات الهی ظاهر من شود

باری فرمودکه چون در کود کی در قصور من آمدم در بازار و کوچه‌های این برکتی من دیدم و اکنون که اینجا من آیم تا ران نحوست من بینم ولی سه کس از این نحوست معفوظ اند: یکی عبدالحق شاه صاحب ساکن کوٹ مردان و دومی حافظ دولت خان ساکن نواحی کوٹ و نامی دیگر آورد روزی فرمودکه ما برای قضای حاجت در بیابان رفتیم و بعد از فراغت چون نگاه کردیم بسبب عبرت نوعی از حال بر ما طاری گشت

باری فرمود که من در "مسجد شاهی لامور" رفتم آنجا طوری دیدم که خانه کعبه پیش من آمده است و من طواف آن من کنم

روزی حجام موهای (سر) حضرت میان شیربانی قدم سره را من تراشید حضرت صاحب فرمودکه چون حجام استره را بر بد نم من زد اینطور معلوم من گشت که بر دلم استره من زند

حضرت نورالحسن شاه نقشبندی رحمته الله عليه (که از خلفای عظام حضرت میان شیربانی قدم سره است) من فرمودکه باری حضرت شیزربانی قدم سره ارشاد فرمودکه از رسول اکرم صلی الله عليه وآلہ وسلم چهار کس را طریقه‌ای که عنایت گشته است، بکس دیگر نصیب نگردیده

است و آن چهار نفر این اند:-

- (۱) نعستین حضرت اویس قرنی رضی اللہ تعالیٰ عنہ
- (۲) دوم حضرت خواجه بایزید بسطامی رحمۃ اللہ علیہ
- (۳) سوم حضرت خواجه ابوالحسن خرقانی رحمۃ اللہ علیہ
- (۴) چهارم برنام چهارم خاموش گشت، زیرا کہ حضرت صاحب
حضرت شیرازی قدم سرہ) ستایش خود شنیدن نہیں پسندید لذا اسم خود را
اینجا برزبان مبارک نہ آورد

باب دهم

خلفای عظامه

حضرت میان شیر محمد شیربانی قدم سره مدتو زیاد ترویج و پیشرفت سلسله عالیه نقشبندیه مجددیه در آستانه عالیه شرقپور شریف فرمود و هزاران طالب حق را تلقین و ارشاد کرده از فیوض و برکات این سلسله پاک مستفید فرمود حضرات کرام زیر را در سلسله عالیه نقشبندیه مجددیه خرقه خلافت عطا فرموده و بعد از ایشان خدمات عالی برای دین اسلام و سلسله عالیه نقشبندیه مجددیه انجام دادند:-

- ۱ - حضرت ثانی لاثانی شهباز لامکانی میان غلام اللہ شرقپوری : حضرت میان شیربانی قدم سره ایشان را در آخر زندگانی مبارک خود جانشین خویش منتخب فرمود و ایشان از سال وصال حضرت میان شیربانی قدم سره (۱۳۲۷ھ) تا سال (۱۳۴۳ھ) (سال وصال خود) بر مسند سجادگی و ارشاد آستانه عالیه نقشبندیه مجددیه شرقپور جلوه افروز بوده است.
- ۲ - مخزن کرم حضرت سید محمد اسماعیل شاه رحمته اللہ علیہ : ساکن موضع کرمون والا تعصیل فیروزپور ضلع شیخوپورم
- ۳ - پیکر نور حضرت سید نورالحسن شاه رحمته اللہ علیہ : ساکن موضع کیلیانوالہ
- ۴ - فاضل اجل حضرت صاحبزاده حافظ محمد عمر رحمته اللہ علیہ : ساکن بیریل شریف، ضلع سرگودها.
- ۵ - مظہر انوار حضرت صاحبزاده مظہر قیوم رحمته اللہ علیہ : ساکن مکان شریف، نزد گورناس پور (ہند)
- ۶ - ابر رحمت حضرت میان رحمت علی رحمته اللہ علیہ :

ساکن موضع کھنگ والا شریف' نزد کامنہ کاچھا'
 ۷ - العاج حافظ حضرت سید محمد ابراهیم شاہ بن عاری رحمۃ
 اللہ علیہ: ساکن موضع سہول شریف' نزد ریلوی اسٹیشن کالا خطانی'

تمت بالغیر

فقیر محمد نذیر رانجھا

غفر فتوہ و ستر عیوبہ

" فی الحجہ ۱۴۱۲ھ بمعطابق ۲۲ - ۱۹۹۳ میلادی

هاده

۱ - **تذکره اولیای نقشبند المعرفه**: سیرت پاک شیرربانی عاشق
یزدانی مجدد عصر، قطب زمانه حضرت میان شیر محمد صاحب شرقپوری
مؤلف محمد امین شرقپوری، ناشر: عبدالوحید خان، ذوالحجہ ۱۴۰۸ هـ / زوئیه

۱۹۸۸ م-

۲ - **تذکره حضرت سید میر جان کابلی نقشبندی مجددی**: از
شادروان میان اخلاق احمد، ناشر: میان احمد بدر اخلاق، لاہور، ۱۹۸۸ م

۳ - **خرزینه معرفت**: از صوفی محمد ابراهیم قصوری نقشبندی مجددی،
ناشر: فیصل آباد، بزم جمیل غلامان شیرربانی، ۱۹۸۸ م

۴ - **شجره طیبیه مع معمولات نقشبندیه**: مرتبه حضرت صاحبزاده
میان جمیل احمد شرقپوری مدخلله، ناشر: شرقپور، مکتبه نوراسلام

۵ - **مختصر حالات حضرت شیرربانی و حضرت ثانی لاثانی**
میان غلام اللہ شرقپوری: مرتبه حضرت صاحبزاده میان جمیل احمد
شرقپوری مدخلله، ناشر: شرقپور، مکتبه نوراسلام

۶ - **منبع انوار در شرقپور شریف**: مختصر حالات و واقعات حضرت
میان شیر محمد شرقپور رحمتہ اللہ علیہ: مرتبه: حضرت صاحبزاده میان
جلیل احمد شرقپور، ناشر: فیصل آباد، بزم جمیل، ۱۹۸۸ م-

۷ - **نوراسلام، شیرربانی نمبر**: مدیر اعلیٰ حضرت صاحبزاده میان جمیل
احمد شرقپوری مدخلله، ناشر: شرقپور، مکتبه نوراسلام



شیرربانی نامہ

سروده: دکتر محمد حسین تسبیحی (رحا)

۲۲ جمادی الثانی ۱۴۱۵ھ مطابق ۲۹ نومبر ۱۹۹۳ء

در وصف حضرت مولانا شیر محمد شیرربانی شرقپوری رحمۃ اللہ علیہ درگاہ او
شرقپور شریف ضلع شنخوپورہ (پاکستان)

زبده	الاولیا	ربانی
عوهر	درج	عشق
پند واندر ز او	او	نوای فل
ضوفشان	است	شیر ربانی
نویں	اسلام	آستانہ
روشنی	بعش	عالی و دانی
شد	به	شیر محمد او معروف
شیر	احمد	مجدد ثانی
آبادان	شریف	شرقپور
روحانی	از وجود	از وجود امام
جاذب	قلب	وجان هر مومن
چشمہ	آب پاک	فیضانی
هر کے خواہد طریقت اسلام		
نور اسلام و نور رحمائی		
عارفانہ کلام او بر خوان		
تا شود جان تو گلستانی		

از جمیل احمد آمد این دفتر
رهمنا بهر هر مسلمانی

لفظ	زیبای	معنوی	بنگر
صادق	القول	شیخ	نورانی
شد	جمیل	احمد	جانشین پدر
ربانی	بارگاه	بانی	
			صاحب ذوق و فکر والد خود
			نظم و نثر و کلام عرفانی

ترجمه کرده دفتر عرفان	
این محمد نذیر انسانی	
	رانجها شد ملقب و اکنون
	خوش چین جهان روحانی

نقشبندی لقب بود چون گل	
بابیان و کلام ایمانی	
	فارسی شد زبان به هر محفل
	در وفا عهد خوب پیمانی

هرچه خواهی بجو ازین دفتر	
حال و احوال شیر ربانی	
	نور اسلام اکبر بود از شرق
	شرقپور است چرا به پنهانی؟

دینه ام بارگاه و درگه او	
مرزدع و سبزه بهارانی	
	میزان بود آن جمیل احمد
	کرده جان مرابه مهمانی

در کتب خانه اش بود موجود
گنج عرفان و گنج سلطانی

هر که خواهد طریق حق جوید
شد جمیل احمد بصر جوشانی

آمد
ثانی لاثانی جانشین

او غلام الله خدا دانی

شو روانه به شرقپور شریف

بشنو الفاظ شاه لاثانی

آن حکم محمد موس

شد حکیم دل و جهانبانی

رهنمای همه جوانان شد

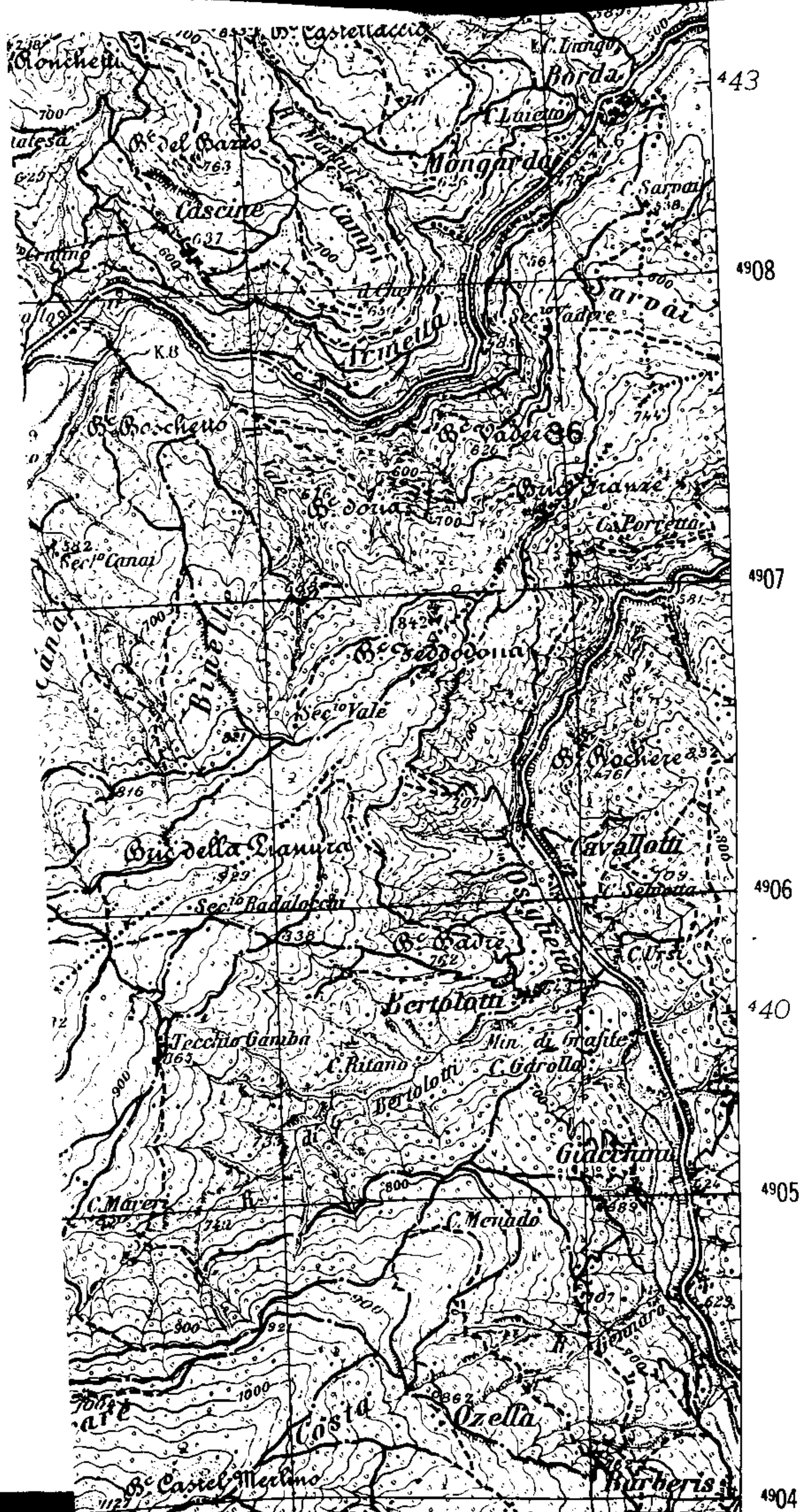
مطبع ببین دعاخوانی

من اسیر کلام موسی ام

حافظش باد خدای ربانی

این رها راه حق همی جوید

زبدة اولیای ربانی



Marfat.com